

قرآن
از دیدگاه
جهان
پیدائش

مؤلف: صلاح الدین سادات

Ketabton.com

شناسنامه:

نام کتاب: پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن

نام مؤلف: صلاح الدین سادات

برگ آرایي و طرح جلد: غفران الله آرین

ناشر: ()

سال نشر: ۱۴۰۴ هـ ش





فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیش گفتار موءلف	۵
آغاز جهان	۱
پیدائیش زمین و آسمان در شش روز	۷
گسترش زمین در دو روز اول	۱۱
تکمیل شدن زمین در دو روزِ دوم	۱۵
ساختنِ هفت طبقه آسمان ها در دو روزِ آخر	۱۸
طبقهٔ اول آسمان	۲۶
طبقه دوم آسمانِ	۲۹
طبقهٔ سوم آسمان	۳۰
طبقهٔ چهارم آسمان	۳۱
طبقهٔ پنجم آسمان	۳۲
طبقهٔ ششم و هفتم آسمان	۳۳
هفت طبقه بودنِ زمین	۳۸

۴۰.....	پیدائیش آب در زمین
۴۸.....	«آغاز حیات در زمین
۵۳.....	حقانیت قرآن
۶۶.....	پایان عالم

پیش گفتار مؤلف

باعث وانگیزه اصلی من از تحریر این رساله درباره پیدایش کائنات، تبیین یگ خطای بزرگ و عمومی در فهم برخی آیات الهی است . اکثر علماء اسلام در طول تاریخ براین عقیده بودند که گویا خداوند متعال. تمام عالم هستی و کل کهکشان هارا « درشش روز » یا « در شش دوره » خلق کرده است . اما این نظریه . با تدبیردورمتن آیات. کاملاً مخالف نص صریح قرآن کریم است. چراکه خداوند متعال در سوره مبارکه فصلت به طور واضح. آشکاروگام به گام بیان میکند که این شش روز. یگ پروژه کاملاً بومی و مخصوص به کره زمین ما بوده است. نه کلی کائنات. قرآن مجید سیر این مهندسی شش مرحله را این گونه ترسیم میفر ما ید . مرحله اول و دوم دو روز .. جرم اولیه لا یه های درونی زمین شکل گرفت .. مرحله سوم

وچهارم..ازبالای زمین کوه ها برافراشته شد.برکات زمین پدید آمدوروزی زمین مقدر گردید.. مرحله پنجم وششم اتمسفر اولیه زمین که به اثرآتش فشان ها وساخت ساز کوه ها مملو از دود غلیظ.گاز های سمی ودخان شده بود به فرمان الهی تصفیه گردید وبه هفت طبقه جوی حفاظتی تبدیل شد که قرآن آنرا« سبع سما وات» یا هفت طبقه آسمان زمین نامید. چراکه بدون این سقف محافظتی پدید آمدن حیات وزندگی کردن روی زمین کاملاً غیر ممکن بود . بنا برین . نص صریح قران اثبات میکند که این شش روز یا شش مرحله فرایند آماده سازی سیاره زمین وجوی ان است وتعمیم دادن ان به کلی کائنات . برداشتی بدون دلیل ومخالف با متن خودقران است . ما دراین رساله برآنیم تا با تکیه برخود نص آیات این حقیقت پنهان را آشکار سازیم ..

با عرض حرمت

صلاح الدین سادات

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱

آغاز جهان

بسم الله الرحمن الرحيم

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم. اما بعد:

موضوع بحث و تحقیق ما در این اثر تبیین چگو نگی پیدایش جهان از منظر نص صریح قرآن کریم است . خداوند متعال کل کائنات را توسط نیروهای بنیا دین به وجود آورده است که آن نیرو ها از کلمه «کن» { موجود شو } پدید آمده و در یگ آن از نیستی به عالم هستی - پرتاب شده اند. چنانچه خداوند متعال در سوره مباحه رکع یاسین، آیه (۸۲) صراحتاً می فرماید: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنهابه آن میگوید موجود باش. پس بیدرنگ موجود میشود. و برای اینکه سرعت و کیفیت این امر بر ما آشکارتر شود. در سوره مباحه رکع قمر آیه ۵۰ مجدداً تاکید میفرماید «وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ» و فرمان ما یگ باربیش نیست. آن هم چون چشم بر هم زدن { به تحقیق این آیات صریح اثبات میکنند که امر الهی برای پیدایش نیروهای اولیه . هیچ نیازی به ظرف زمان ندارد، امرمربوط میشود به اراده آنی حاکمیت مطلق و تدبیر بی واسطه خداوند متعال بر کل هستی، به مجرد اینکه نیرو های بنیادین درعالم امر و خارج از بعد زمان

۲/ صلاح الدین سادات

پدیدآمدند. ماموریت یافتند تا به فرمان الهی شروع به آفرینش و ساخت و ساز تدریجی جهان مادی کنند. این فرایند تکاملی و تدریجی. از ساخت زرات زیر اتمی آغاز شد. به اتم ها رسید و سر انجام به شکل گیری ستاره گان. منظومه ها و کهکشان های غول پیکرانجامید. این فرایند زمان مند و ساختاری رادرفرنگ قرآن خلق میگویند که بمعنای آفرینش. اندازه گیری و دگرگونی گام به گام است. این بخش قلمرو خلق دقیقاً مربوط به دنیای مادی است. دنیای که دران. تمام پدیده ها برای شکل گیری و تکامل خود با ابعاد زمان و مکان و قوانین اندازه گیری سروکار دارند. نکته شگفت انگیز این جاست که هردوی این سیستم ها یعنی هم عالم امر نیروهای آنی و هم عالم خلق ماده و آفرینش تدریجی تحت فرمان تکوینی و مطلق پروردگار عمل میکنند و جزءی ترین تخلفی از قوانین مقدر شده از خود نشان نمی دهند. چنانچه خداوند متعال در سوره مبارکه اعراف آیه { ۵۴ } چنین میفرماید { أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ } ترجمه ؟ آگاه با شید که هم آفرینش تدریجی و هم فرمان نافذ آنی تنها از آن اوست ، در واقع این آیه صریح تاکید میکند که چون خداوند متعال خالق و مقتدر تمام موجودات و نیرو هاست حق مدیریت. تدبیر امور جهان و حکم رانی مطلق بر کائنات نیز فقط و فقط متعلق به اوست ، بناء بر این در مهندسی کائنات ابتدا امر تزریق نیرو ها صادر شد و سپس در بستر ان فرایند خلق شکل گیری جهان مادی پدید آمد، این نیرو های بنیا دین کیهانی. کاملاً

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۳

غیر مرئی و پنهان هستند، نیروهای که میلیاردها کهکشان غول پیکر، تریلیون ها ستاره و سیارات بی شمار جهان . توسط همین نیروهای نامرئی ساخته شده اند ، با وجود این همه عظمت. این زنجیره های پیوند دهنده به چشم سر دیده نمیشوند، چنانچه خداوند متعال در سوره لقمان آیت ده چنین میفرماید، «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» ترجمه الله ذاتست که آفرید بلندی های کیهان را بدون ستون که ببینید آنرا { در لغت عرب. واژه «عمد» به معنای ستون ها و پایه ها ی است که بار سنگین یگ بنا را تحمل میکند. در ساختار کائنات. تمام این ستاره ها و کهکشان های سنگین توسط همین ستون های نا مرئی ساخته شده اند .. بابه کار افتادن نیروهای حاصل از < امر> آفرینشی تدریجی کائنات «عالم خلق» کلید خورد و ذرات بنیادی بانظمی ریاضی وارشروع به شکل دادن اتم ها. ستاره گان. و کهکشان ها نمودند: اما نظام مهندسی الهی پس از ساخت و پدید آوردن این حجم عظیم از میلیاردها کهکشان و تریلیون ها ستاره و سیاره آنها را در فضا به حال خودرها نکرده است. نکته عمیق و شگفت انگیز این جاست که همان نیروهای غیر مرئی که مامور ساخت کائنات بودند. اکنون مسئولیت صیانت. پاسداری و نگاه داشتن این اجرام فوق سنگین را در فضای بیکران به دوش میکشند .. چنانچه خداوند متعال در سوره رعد آیه دو چنین میفرماید . «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» بر فراشت

۴/ صلاح الدین سادات

بلند های کیهان را بدون ستون که بنیید آنرا، چراکه درسوره لقمان به واژه « خلق » بمعنای آفرینش ذکر شد و اما درسوره رعد به واژه « رفع » که به معنای برآفراشتن و نگاه داشتن است بیان شد : . نکته شگفت تر و تکان دهنده تردرمهندسی کائنات این است که تمام این اجرام مشهود و قابل دیدن: یعنی میلیاردها کهکشان و تریلیون ها ستاره و سیاره که عظمت شان هوش از سر انسان می رباید؛ براساس آخرین یافته های کیهان شناسی. فقط پنج فیصد کل اجرام جهان را تشکیل میدهد و نود و پنج در صد باقی مانده جهان ساختاری کاملاً غیر مرئی و پنهان دارند { که علم امروز آنرا ماده تاریک و انرژی تاریک می نامد } . این ساخت و ساز عظیم و بی وقفه توسط آن نیروهای غیر مرئی از زمان پیدایش اولیه کائنات تا به حال که تقریباً چهارده میلیارد سال میگذرد. با یک انبساط سرسام آور همواره در حال توسعه و وسعت یافتن است. در طول این مدت زمان طولانی. صد ها میلیارد کهکشان و تریلیون ها ستاره جدید متولد شده اند و این توسعه و بزرگ شدن جهان تا همین لحظه نیز با سرعتی فزاینده ادامه دارد. قرآن کریم این حقیقت پنهان کیهانی و مهندسی بی پایان را بیش از چهارده قرن پیش. در سوره مبارکه ذاریات ایة چهل و هفت با صراحت تام به تصویر کشیده و می فرماید: « وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ (۴۷) » ترجمه ما آسمان را با قدرت بنا کردیم پیوسته آنرا وسعت می بخشیم؟ تعبیر «لمو سعون» اسم فاعل مستمر { نص این آیه.

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۵

به وضوح اثبات میکند که خلقت کلان جهان برخلاف پروژه زمین، یک پرونده بسته شده نیست. بلکه جریان زنده مداوم و رو به گسترش است. در تایید و تحکیم همین فرآیند آفرینش مستمر و دگرگونی های لحظه به لحظه کائنات را. خداوند متعال در سوره مبارکه الرحمن آیه ۲۹ در اوج شگفتی و زیبایی بیان داشته و میفرماید: «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» یعنی او هر روز و هر لحظه در کار و آفرینش نو است { این دو آیت بطور صریح. خط بطلانی بر تمام دیدگاه های سنتی میکشد. دیدگاه یی که خلقت جهان را یک حادثه تمام شده در گذشته می پنداشتند. ترکیب این دو آیه به مامی اموزد که تجلی حاکمیت و تدبیر پروردگار در هر آن { کل یوم { به صورت یک کار و شائن جدید است. و این شائن جدید در ساخت کلان کیهان. چیزی جز خلق ذرات جدید. پدید آوردن ستاره گان نو و انبساط بی پایان مرزهای کائنات نیست. جهان مادی تحت فرمان تکوینی او. هر ثانیه لباس نو به تن میکند و بزرگ تر میشود. این وسعت از ابتداء پیدایش جهان شروع شده و تا چه زمانیکه پروردگار بخواهد دوام میکند، پس از تبیین نظام کلان کائنات قوانین «امرو خلق» اکنون نگاه خود را از اعماق فضا به سمت خاستگاه و گهواره خودمان یعنی «کهکشان راه شیری» معطوف میکنیم، بر اساس آخرین گزارش ها و دستاوردهای دانشمندان کیهان شناسی. شکل گیری ابتداء ی کهکشان ما تقریباً پنجمصد میلیون سال بعد از انفجار بزرگ آغاز شده، اما سیر تکاملی

۱۶/ صلاح الدین سادات

آن دوتا سه میلیارد سال طول کشیده به حالت امروزی درآمده، حالا این کهکشان مادری طبق تخمین های دقیق نجومی. خانه برای صد تا چهارصد میلیارد ستاره است، یکی از همین میلیارد ستاره ها خورشید ماست. ستاره محوری که منظومه از سیارات رابه دور خود می چرخاند ، و سو مین سیاره این منظومه همین زمین است که بر روی ان زندگی میکنیم، هدف و بحث اصلی ما درین فصل تبیین مهندسی سیاره زمین واماده سازی آن برای پیدایش حیات است، خداوند متعال درسوره مبارکه فصلت بطور واضح و آشکاروگام به گام بیان میفرماید که زمین و هفت طبقه آسمان حفاظتی بالای زمین در شش روز هرروز یگ مرحله در شش مرحله . به کمال رسیده اند تا شرایط برای پیدایش حیات مهیا شود؛ یعنی زمین در همین شش روز به پایۀ اکمال رسیده، حیات به وجود آمده است. این مهندسی شش مرحله وبومی را در ادامه به صورت مفصل ومستند براساس نص صریح آیات باز خوانی خواهیم کرد..

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۷

پیدائیش زمین و آسمان در شش روز

پیش از ورود به جزئیات مهندسی شش مرحله. باید یک سوء تفاهم بزرگ تاریخی را برطرف کنیم واژه «یوم» روز { که در قرآن کریم برای پیدایش زمین و آسمان آن ذکر میشود به هیچ وجه به معنای روزهای متعارف بست و چهار ساعته زمین نیست بلکه به فرهنگ قرآن و منطق علمی به دوران یا به دوره یا به مرحله تعبیر میشود که ممکن است هر مرحله میلیون ها سال به طول انجامیده باشد این حقیقت. امروزه مورد اتفاق دانشمندان اسلامی و کیهان شناسان مدرن است ، بناءً پیدایش زمین و آسمان در شش روز هر روز یک مرحله در شش مرحله به اتمام رسیده است ، نص صریح قرآن صراحتاً به خوبی نشان میدهد که ظرف زمان در پیشگاه الهی کاملاً متفاوت و نسبی است. به عنوان نمونه مدیریت احکام کائنات: وقتی فرامین و مقدرات از پیشگاه عرش الهی به زمین فرستاده میشود، ملائکه های مسؤول آن احکام را طبق مقررات بر روی زمین اجرایی میکنند . قرآن مدت زمان صعود و نزول این فرایندها را معادل هزار سال زندگی در روی زمین ذکر نموده است، چنانچه در سوره سجده، آیت (۵) چنین می فرماید: «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ». ترجمه: به تدبیر فرو می فرستد امر را از آسمان بسوی زمین باز بالا می رود آن امر به جانب او در روزیکه هست اندازه آن هزار سال از آنچه که می شمارید. هم چنان روز قیامت

۸/ صلاح الدین سادات

یک روز است اما معادل پنجاه هزار سال زندگی در روی زمین است، چنانچه در سوره المعارج، آیت (۴) چنین می‌فرماید: «تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ». ترجمه: بالا می‌روند فرشتگان و روح بسوی او در روزیکه هست مقدار آن پنجاه هزار سال، بناء تمام دانشمندان کیهان‌شناسی و علماء دینی روز را به دوره تعبیر میکنند،

مهندسی این مراحل. زمان آغازشده بلندی‌ها ی کیهان یعنی میلیارد ها ستاره و سیاره در کهکشان راه شیری و منظومه شمسی به امر پروردگار پدید آمدند و خداوند متعال. هریک ازین اجرام غول پیکر را دقیقاً در مدار ی که مناسب و متوازن بود. استوار ساخت. قرآن کریم این توازن و برافراشتن اولیه را در سوره مبارکه نازعات، آیه (۲۸) چنین می‌فرماید: «رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا». ترجمه: سقفش را بر افراشت و آنرا نظام و توازن بخشید { یعنی تمامی بلندی‌ها. کهکشان و ستاره گان ابتدا در جایگاه های مداری فوق العاده دقیق خود تنظیم شدند تا بستر کار برای مهندسی سیاره { زمین } آماده گردد،

زمین هم توسط همان نیرو های غیر مرئی که از کلمه؛ کن؛ پدید آمده بودند شکل گرفت، این سیاره در ابتدا از گاز و غبار بقایای ستاره های که عمر شان به پایان رسیده منفجر شده بودند از خا کستر آنها بوجود آمده، زمین در ابتدای پیدائیش خود توده مذاب و آتشین بود که، نه موجود زنده در آن یافت میشد و نه هم شرایط

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۹

زیستن فراهم بود، این جرم مادی به مجرد شکل گیری . شروع به چرخش دور خود نمود که از این چرخش روز و شب به وجود آمد. این شروع پیدائیش زمین است. روز آنرا روشن و شب آنرا تاریک کرد، چنانچه خداوند ﷻ در سوره نازعات، آیه (۲۹) چنین می‌فرماید: «وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا». ترجمه: تاریک کرد شب آنرا و آشکارا کرد روشنی روز آنرا، قرآن کریم این نظام اولیه را با نسبت دادن ضمیر شب و روز به «آسمان و کائنات» به عنوان یک قانن عام کیهانی معرفی میکند. این عمو میت در ذکر روز و شب نشان دهنده حاکمیت قوانین فزیک آسمان بر تکا مل زمین است. اثبات میکند که تمام سیارات و حتی ماه ها در منظومه شمسی بر اثر گردش به دور خود دارای شب و روز هستند. با این تفاوت که برخی شب و روز درازتر و برخی شب و روز کو تاه تر دارند. اگر آسمان تاریک و روشن نمیشد زمین مرده سنگی داغ یا منجمد با قی میماند، مدت مدید زمین به همین حالت توده آتشین و بدون حیات سپری شد. اما خواست خداوند ﷻ این بود که در همین سیاره مخلوق هوشمند که مأمور به عبادت باشد، زندگی کند او عبارت از انسان است، حالا چه تدابیر گرفته می‌شد که زندگی کردن در آن ممکن شود. بناءً پروردگار عالم، برای تحقق این هدف بزرگ تدابیر و مهندسی شگفت انگیزی آغاز شد. پروردگار عالم در گام اول کالبد داغ زمین را سا مان داد تا که از مضرات آتشین هسته زمین و امواج کشنده آن جلوگیری کند. این

۱۰ / صلاح الدین سادات

فرایند به لایه لایه شدن درون زمین و سپس گسترش پوسته خارجی آن آغازگردید تا سنگ بنای حیات گزاشته شود. و هم برای معیشت انسان‌ها ضروری می‌باشد، چنانچه در سوره نازعات، آیه (۳۰) چنین می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا». ترجمه: زمین را بعد از آن گسترديم .. این نص صریح. انطباق شگفت انگیزی با آخرین یافته های نجومی دارد. از نگاه علم نجوم مدرن. عمر کهکشان مادری ما «راه شیری» بیش از سیزده میلیارد سال تخمین زده میشود درحالی که از عمر سیاره زمین تنها حدود چهار رو نیم میلیارد سال می‌گذرد این تفاوت میلیارد ساله نشان می‌دهد که پس از اتمام بنای آسمان و تنظیم شب و روز کیهانی. نوبت به شکل گیری نهایی زمین رسیده است واژه «دحاها» { از ریشه دحو} در لغت به معنای گسترش دادن. وسعت بخشیدن. و غلتا ندن توده ای برای پهن کردن آن است. این یعنی زمین اولیه پس از سپری کردن دوران آتشین. پدید آمدن روز و شب کیهانی وارد یگ سیر تکاملی فرایند پویایی فیزیکی شد تا در شش مرحله بزرگ وسعت پیدا کند و به کمال برسد. برای درک مهندسی این پروژه شش مرحله. باید آیات سوره فصلت را در کنار این آیه قرار دهیم تا دریا بیم که : در دوروز اول {دو مرحله نخست} چه پدید آمد؟ و در دوروز دوم {مراحل سوم و چهارم} چه چیزی ساخته شد ؟ و در دوروز سوم {مراحل پنجم و ششم} چه دگر گونی بزرگ

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱۱

رخ داد؟ در ادامه. تک تک این مراحل را به طور تفصیلی مورد بحث و بررسی قرار میدهم :

گسترش زمین در دو روز اول

چنانچه قبلاً در سوره نازعات خواندید که گسترش زمین بعداً شکل گرفت، اولتر از همه روز و شب آفریده شده بعد از آن گسترش زمین. این شروع گسترش زمین است، گسترش (وسعت دادن) را می‌گویند. وسعت یعنی کلان کردن، خداوند متعال ساختار داخل زمین را هفت طبقه ساخته، مثل پوست پیاز. این هفت طبقه سیر تکاملی خود را در دو روز یا در دو مرحله تکمیل نموده است، چنانچه خداوند ﷻ در سوره فصلت، آیت (۹) چنین می‌فرماید: «قُلْ أَنتَکُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ». ترجمه: بگو آیا کافر می‌شوید به آن ذاتیکه آفرید زمین را در دو روز، براساس نص صریح این آیه در این دو روز نخست. کالبد اصلی و هفت لایه داخل زمین ساخته شد، این گسترش را دانشمندان علوم نجومی بنام بمباردمان فضایی یاد می‌کنند و می‌گویند که همه چیزیکه در زمین است مثل باران امروزی ازفضا به زمین باریده است. این گزارشات علمی را قرآن کریم هم تأیید می‌کند، چنانچه در سوره الحديد، آیه (۲۵) می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا

۱۲ / صلاح الدین سادات

الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ». ترجمه: فرود آوردیم ما فلزات را و در آن نیروی سخت و منافع زیاد است برای انسان‌ها. فلزات عموم است منظور تنها آهن نیست بلکه آهن باب هر آن چیزیکه ذوب و منجمد شود، شامل آهن است از قبیل طلا، نقره مس، سرب، و پلاتین همه و همه شامل است. چرا که منظور تنها ذکر آهن نیست بلکه منظور آوردن آنها ست در زمین، بناءً تنها آهن آورده نشده بلکه تمام فلزات که در زمین وجود دارد از دیگر جای به زمین آورده شده است. اما در بعضی فلزات منافع زیاد است برای انسان‌ها مثل آهن یا فولاد، از رویکه انسان‌ها به آن دسترسی پیدا کرده اند، تمام ضروریات خود را از آله و اسباب جنگی مثل شمشیر و نیزه و دیگر اسباب خانگی و هم‌چنان برای امروز به تمام ماشین آلات بکار می‌برند. خداوند ﷻ فرمود که تمام این‌ها را از دیگر جا به زمین فرود آوردیم چراکه به صیغه «أَنْزَلْنَاهُ» ذکر نمود، تمام این فلزات مخلوط زمین می‌باشد. پس معلوم شد که این هفت طبقه داخل زمین از فضا به زمین آورده شده است، زمان آوردن آن هم دو روز را در برگرفته است یعنی در دو مرحله، ویا هم تنها آهن را بگیریم چرا خداوند متعال تنها آهن را ذکر نمود دیگر فلزات را ذکر نکرد چون آهن اکثریت اجزای زمین را تشکیل میدهد جز تابعی کل است .. هیچ کدام از فلزات ساخت زمین نیست بلکه آنها در دل ستاره گان دیگر ساخته میشوند وقت این ستاره ها که عمرشان به آخر میرسد به یگ انفجار بزرگ

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۱۳

خاتمه پیدا میکند این انفجار تمام آهن موجود در هسته را در فضا
 ای بیکران پخش میکند وقت سیاه در حال شکل گیری باشد
 باخود جذب نموده سپس آنیکه وزن شان بیشتر است طرف هسته
 هدایت میشود زمین هم همین قسم است هسته زمین از آهن
 مذاب است و اما طلا و دیگر فلزات قیمتی در هسته ستاره گان غول
 پیکر که هزاران مراتب از خورشید بزرگ باشد ساخته میشود
 و قتیکه عمر این ستاره گان به آخر رسید به یگ انفجار بزرگ خاتمه
 پیدا میکنند این انفجار تمام آن فلزات که در هسته وجود داشت
 در فضا به قسم ذرات پخش میکند سیارات که در حال شکل گیری
 هستند با خود جذب میکنند مثلیکه آهن را جذب کرده بودند بناء
 تمام این فلزات از دیگر جای به زمین آورده شده اند قسمیکه
 خداوند متعال در قرآن ذکر نمود، از قراریکه دانشمندان زمین شنا
 سی ذکر میکنند طلای موجود در هسته زمین اگر بیرون کرده
 شود در تمام خشکی زمین یگ لایه نیم متری ساخته میشود مگر
 بیرون کردن آن غیر ممکن است چون حرارت آن به شش هزار
 درجه میرسد هر چیزی قبل از رسیدن به آنجا ذوب میشود .. نص
 صریح قرآن کریم گام را از انزال فلزات نیز فراتر نهاده و اثبات
 میکند که نه تنها عناصر سنگین، بلکه حتی زرات، غبارها و خمیر ما
 یه اولیه ساخت خود زمین نیز منشاء فرا بومی و فضا یی داشته
 و از نقاط دیگر کائنات فرا خوانده شده اند بزرگ ترین شاهکار
 تجربی و عینی بر این مدعا، فرمان تکوینی پروردگار در آیه (۱۱)

۱۴ / صلاح الدین سادات

سوره مبارکه فصلت است که می‌فرماید: «فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا». ترجمه: پس گفت پروردگار برای آسمان و زمین، میایید یا بیاوریم تان به زور؟ تعبیر و فرمان صریح بر بیا یید نشان دهند ؤ یگ جا بجایی عظیم مادی در بستر فضا است. این فرمان زما نی صادر میشود که چیزی در مکانی حضور نداشته باشد وبه آن امر شود تا به سمتی حرکت کند این نص صریح. گواهی میدهد که ذرات وسحابی های گازی اولیه تشکیل دهند ؤ زمین. در ابتدا در فضایی بی‌کران کیهانی پراکنده بودند وبه واسطه این فرمان تکوینی و تحت تاءثیر نیروی جاذبه. از نقاط دیگر فضا به نقطه هدایت و جمع آوری شدند تا جرم زمین راشکل دهند همه این آیات دلالت بر این می‌کند که زمین و هفت لایه بالای که بنام آسمان ذکر شده از دیگر جا آورده شده اند. .

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱۵

تکمیل شدن زمین در دو روز دوم

این شروع مرحله دوم است درین مرحله سا ختن کوه ها از بالای زمین است خداوند متعال در سوره فصلت، آیه (۱۰) چنین می فرماید: «وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلنَّاسِ لَيْنَ». ترجمه: وگردا نید در زمین کوه ها را از بالای زمین و برکت نهاد در آن و اندازه کرد در کوه ها روزی های اهل آنرا در چهار روز کامل، برای سوال کنندگان، یعنی کسی سوال کند که زمین در چند روز تکمیل شده، جواب بگو که در چهار روز. در این چهارروز دوروز اول هم شامل است اول اینکه کوه ها هم جزوی از زمین است دوم اینکه این اشتباه برداشته شود که این چهارروز جدا از دوروز اول نیست به همین خاطر به «پیامبر اکرم ص» میگوید که هر که از تو سوال کند زمین در چند روز ساخته شده در جواب بگو که در چهارروز یعنی در چهار مرحله دوروز اول دو مرحله دوروز دوم هم دو مرحله.. درین دو روز دوم کوه ها بالای زمین انداخته شد، اولین مفاد کوه ها این است که وظیفه میخ را اجراء می کنند، چنانچه (میخ) چیزی سست و لرزان را قائم نگه می دارد. این چنین کوه ها هم زمین را از میلان نمو دن به جانب دیگر نگه میدارد. چنانچه خداوند متعال در سوره نباء، آیت (۷) چنین می فرماید: «وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا». ترجمه: آیا نگردانیدم کوه ها را میخ زمین، کوه ها چندین برابر خود ریشه داخل زمین دارد این ریشه ها در لایه های زیرین وصل هستند تا که پوسته

۱۶ / صلاح الدین سادات

های بالای را از لرزهء دائمی ولغزش نگه دارند ؟ علاوه بر قائم نگه داشتن زمین تمام چیزهای حیاتی را خداوند ﷻ در کوهها خلق کرده است، از قبیل فلزات قیمتی و تمام معدنیات که برای انسانها ضروری بود همه را در کوهها خلق کرده و از همه مهمتر برای زندگی انسانها حتمی و ضروری میباشد ذخایر آب است آنها در کوهها ذخیره می شود، چون برفها در زمستان در کوهها ذخیره می شود و در تابستان برای کشت و زراعت استفاده می شود. بناء خداوند ﷻ کوهها را محل برکت و محل رزق و روزی باشندگان اهل زمین تعیین نموده است.. همچنان خداوند ﷻ در سوره ق، آیت (۷) چنین می فرماید: « وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ». ترجمه: و زمین را گسترديم و افگنديم در آن کوهها را و رویانیدیم در آن از هر نوع با رونق جفت چه انسان باشد چه حیوان چه درخت باشد وچه گیاه همه را جفت افرديم یعنی نرو ماده ، خداوند متعال اول گسترش زمین را یاد کرد بعد افگندن کوهها را. قبلاً گفتیم که در دو روز اول گسترش زمین شروع شده و تمام هفت طبقه داخل زمین در مرحله اول تمام شده بود، بعد از تمام شدن هفت طبقه داخل زمین بالای آن کوهها افگنده شد، کوه ها به چند طریق پدید آمدند کوه ها یکه دورودراز هستند آنها بنابه اثر بر خورد قاره ها پدید آمدند آنرا خداوند متعال بنام کوه های رواسی یاد کرده اشاره به کوه های بلندو پا برجایی که سنگینی وریشه های عمیق

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۱۷

شان باعث آرامش زمین از لرزه های دائمی میشود .. بعضی های شان به اثر تصادم لایه های درون زمینی به وجود آمده اند اما اکثریت کوه ها به اثر آتش فشانی که سالیان سال دوام داشته پدید آمده اند... خداوند متعال واضح و آشکارا بیان نمود که در این چهار روز فقط زمین ساخته شد، نه کائنات، هیچ کس گفته نمی تواند که در این چهار روز یا چهار مرحله دیگر کائنات هم شامل است، چراکه خداوند ﷻ به پیامبرش فرمود، هر که از تو سوال کند زمین در چند روز ساخته شده است، جواب بگو که در چهار روز. حالا تمام چیزهای که برای انسان ها ضروری بود، چه از نگاه داد و ستد و چه از نگاه رزق و روزی همه در همین چهار روز تکمیل شد، مگر بازهم در زمین، برای یک دقیقه زندگی کرده نمی شود چرا که نظر به تحقیقات علمی زمین بدون لایه های بالای بعد از طلوع آفتاب به حدی گرم میشد که هر آن چیزی که در زمین بود آتش می گرفت و اما بعد از غروب آفتاب به حدی سرد میشد که به منفی ۹۰ درجه میرسید، در هردو صورت زندگی کردن ناممکن بود، علاوه بر آن زمین زیر بمباردمان فضایی قرار داشت، همه روزه هزاران شهاب سنگ به زمین برخورد میکرد. حالا چه تدابیر گرفته شود که هم هوا معتدل شود و هم از برخورد شهاب سنگ ها جلوگیری شود. بناءً پروردگار عالم توجه خود را به جوی زمین نمود تا که به دور زمین محافظ قرار دهد.

ساختنِ هفت طبقه آسمان ها در دو روزِ آخر

همان طور که پیش ازین در نص صریح آیه (۹) سورۀ مبارکۀ فصلت خواندید. کالبد ولایه های درونی زمین در دو روز اول گسترش یافت و کلان شد، همچنین در آیه (۱۰) همین سوره تبیین گردید که در دو روز دوم بالای زمین کوهها برفراز پوستۀ زمین افکنده شد ند مخازن برکت و روزی به اکمال رسید، و حالا در دو روز سوم که مر حلهٔ آخرین است خداوند ﷻ در آیه (۱۲) سورۀ فصلت آغاز این دگر گونی بزرگ را این گونه ترسیم میفرماید : «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ». ترجمه: سپس به آفرینش آسمانها پرداخت در حالیکه او بصورت دود بود ، تعبیر صریح این آیه نشان میدهد که خداوند متعال پس از ساخت واماده سازی زمین در آن چهارروز نخست . تد بیر و توجه تکوینی خود را به طرف آسمان بالای زمین معطوف کرد. آسمان که در آن زمان به شکل توده ای تاریک از دود و گاز سپری میشد ، این فرایند

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۹

از نظر علمی یگ علت بسیار دقیق دارد که با سیر آیات کاملاً همخوان است : در دو روز دوم که دوران بر افراشته شدن کوه ها بود. اکثریت این نا همواری ها بر اثر فوران های آتش فشانی فوق العاده سهمگین و مداوم شکل گرفتند این آتش فشانی عظیم برای سالیان سال دوام داشتند و در اثر آنها. تمام جوی و فضای بالای زمین مملو از دود های غلیظ و خاکستر های معلق و گاز های سمی برخاسته از دل زمین شده بود. برای اینکه این سیاره اماده حیات شود . لازم بود این اتمسفر تیره تصفیه گردد. گاز های سمی آن به گاز های حیات و صاف تبدیل شود و از دل این توده ها یگ سپر حفاظتی منظم جابه جا و مهندسی شود تا زمین را از تمام بلا یی آسمانی محافظت کند ، فرایند که در آیه بعدی به کمال خود میرسد.. خداوند متعال این مهندسی تفکیک و انتظام را در آیه ۱۲) سورة مبارکه فصلت این گونه بیان می فرماید: «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا». ترجمه: پس آن ها را به صورت هفت آسمان در دو روز استوار ساخت و در هر آسمان کار و ماموریتش را وحی و مقدر کرد { نکته فوق العاده عمیق و راز آلود در زبان شناسی این آیات تغییر سا ختار لغوی از صیغه مفرد به صیغه جمع است . خداوند در آیه قبل. آسمان را به صیغه مفرد یاد کرد : چرا که جوی اولیه زمین یگ توده دودی یگپارچه. درهم آمیخته و تفکیک نشده بود. اما در مقام تقسیمات. صیغه جمع و ضمیر جمع موث «فَقَضَاهُنَّ» یعنی پس آن ها را انتظام بخشید را به

۲۰ / صلاح الدین سادات

کاربرد . مرجعۀ این ضمیر. دقیقاً همان گاز ها و غبارهای دخان هستند . این نص صریح اثبات میکند که پروردگار آن توده های گازی معلق را براساس ترکیبات فیزیکی و وزن اتمی شان. درطول این دوروز پایانی درجای اصلی خود جابه جانمودولایه لایه ساخت: به طورکه مشخص گردید درآسمان اول چه نوع گاز های برای تنفس موجودات باشد و درآسمان های بالاتر تا هفتم {لایه های حفاظتی و مقناطسی} چه نوع گاز ها و سپرهای مستقر شوند تعبیر {واو حی فی کل سماء امرها} دقیقاً به معنای سپردن وظیفه و ماموریت فیزیکی به هر یک از این لایه های جوی است. در کجای این آیات صریح کلمه ای از؛ تمام عالم: یا خلقت کائنات؛ ذکر شده است؟ متن قرآن با شفافیت کامل یگ موازنه و هندسۀ سه مرحله دوقلورا فقط برای سیارۀ ماترسیم میکند؛ وضاحتاً توضیح میدهد که در مرحله اول یعنی در دوروز اول شکل گیری کالبد وسعت یافتن جرم زمین ولایه های درونی آن صورت گرفت؛ و در مرحله دوم {یعنی در دوروز دوم} برافراشته شدن کوه ها از بالا بروی پوستانه و تقدیر برکات و روزی ها ؟ مرحله سوم یعنی دوروز سوم {تفکیک گاز های سمی دخان و مهندسی هفت طبقه آسمان حفاظتی دور زمین ؟ بنابراین این نص صریح سورۀ فصلت با مقتدرانه ترین ادله ثابت میکند که این شش روز یا شش مرحله منحصرأ پروژه ساخت و صیانت از زمین بوده است. نه کل کائنات؛

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۲۱

این حقیقت بزرگ برچنددلیل استواراست {دلیل اول} حل تناقضی ظاهری میان توالی سوره های نازعات وفصلت وسوره بقره اگرما واژه ؛سماوات؛ درآیات سوره فصلت به معنای کل جهان هستی وکھکشان ها فرض کنیم.متن قرآن بایگ تناقضی آشکار وحل نشده روبرو خواهدشد زیرا خداوندمتعال درسوره مبارکه نازعات اول پیدایش بلندی ها ونظم ستاره گان راذکر میکند وسپس میفر ماید زمین بعداز ان گسترش یافت. واما در سوره فصلت وسوره بقره ابتداخلقت زمین ذکر شده وسپس پرداختن به آسمانها . برای همه گان وازنظرنجومی کاملاً معلوم است که کل کائنات وکھکشان ها میلیاردها سال پیش ازمین ساخته شده اندوزمین بعداپدیدآمده است؟ اگر ازآسمان ها لایه های هفت گانه بالای زمین را بگیریم چنانچه که خداوند متعال فرمود از گاز ها ساخته شد درین صورت به هیچ تنا قضی روبرو نمیشویم وهم موافق با گزارشات علمی میشویم . همچنین یکی دیگرازمحکم ترین ادله بربومی بودن این شش مرحله وعدم ارتباط آن با کل کائنات نص صریح آیه « ۳۰ » سوره مبارکه انبیا است. خداوند متعال درین آیه میفرماید { أُولَئِكَ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (۳۰) } ترجمه آیانی بیند آنانیکه کافر شدندبه تحقیق که آسمانهاوزمین بودند مخلوط ما آنها را ازهمدیگر جدا نمودیم وهرچیزی زنده ای را ازآب قرار دادیم آیا ایمان نمی آورند

۲۲/ صلاح الدین سادات

؟ گرچه بسیاری از مفسران و محققین معاصر تلاش میکنند این آیه را به انفجار بزرگ و آغاز پیدایش کل کائنات ربط دهند. اما باتدبیر در نص صریح آیه: گمانه زنی کاملاً مردود است: زیرا در لحظه انفجار بزرگ، هنوز نه زمینی پدید آمده بود. نه آسمانی جوی وجود داشت و نه اصلاً مایه آب شکل گرفته بود؟ حقیقت این است که این آیه بحث خلقت کل جهان را مطرح نمیکند. بلکه دقیقاً در حال تبیین بستر پدید آمدن حیات در کره زمین است و از ره، رتق، یعنی پیوستگی نشان میدهد که در مراحل اولیه { دوران آتشفشانی شدید } مواد مذاب زمین و گاز های سمی دخان همگی در دل زمین یگ جا مخلوط و فشرده بودند. سپس به فرمان الهی واقعاً؛ فتق؛ جدایی و شکافتن رخداد. یعنی این دود ها از قعر زمین توسط آتش فشان ها به بیرون پرتاب شدند. از پوسته جدا گشتند و لایه های هفت گانه آسمان زمین را شکل دادند؟ دلیل قاطع بر این مدعا چسبیده بودن بلا فاصله این جمله به پیدایش آب و حیات است ؟، یکی دیگر از براهین قاطع بر رد نظریه سنتی. تضاد عدد هفت با وسعت واقعی کائنات است. علماء سنتی غالباً با این باور اند که از هفت آسمان هفت جهان یا هفت فلک کیهانی است که کل عالم را در بر میگیرد. اگر ما هر آسمان را یگ جهان یا یگ قلمرو که کشانی فرض کنیم بایگ چالش بزرگ علمی و عقلی روبرو میشویم . چرا که امروزه با چشم دوختن به اعماق فضا از طریق تلسکوپ های پیشرفته، اثبات شده است که جهان هستی محدود

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۲۳

به هفت قلمرو یا هفت آسمان کلان نیست، بلکه درکائنات میلیاردها کهکشان غول پیکر وجود دارد که هر کدام از آنها خودبه تنهایی یگ جهان مستقل و عظیم به شمار میرود: بنا برین، عدد هفت هرگز نمیتواند نماینده شمارش کل کهکشان ها و کائنات بیکران باشد و محدود کردن جهان به هفت آسمان کیهانی؛ با عظمت واقعی خلقت همخوانی ندارد: اما در مقابل: وقتی به نص صریح سوره فصلت رجوع میکنیم و می بینیم که این آسمان ها از تصفیه گازهای دخان زمین شکل گرفته اند؛ درمیابیم که منظور از هفت آسمان درین پروژۀ شش روزه دقیقاً همان لایه های هفت گانه اتمسفر و سپر حفاظتی دور زمین است؛ درین ساخت بومی عدد هفت یگ واقعیت فیزیکی دقیق و تجربی است شامل طبقات مختلف جوی و سپرهای مقناطسی که منحصرأ برای صیانت از زمین مهندسی شده اند؛ نه شمارش کل کهکشان های جهان؛ دلیل دیگری که با صراحت تام اثبات میکند: منظور از آسمان های هفت گانه درین مهندسی شش روزه همان اتمسفر زمین است. تبیین ماموریت ساختاری این لایه ها در نص قرآن است. خداوند متعال در سوره مباحثه انبیاء آیت (۳۲) پس از ذکر نظام آفرینش، صراحتاً صفت و وظیفه این آسمان را تعریف کرده و می فرماید: «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا». ترجمه: و گردانیدیم آسمان را سقفِ محافظتی، درآیت اگر منظور از آسمان کل کائنات یا فضای بیکران میان ستاره بود. تعبیر سقف بودن

۲۴ / صلاح الدین سادات

هیچ معنای فزیک و معقولی نداشت. چراکه فضای خلاء کیهانی سقف ندارد. اما وقتی به سراغ لایه های هفت گانه جوی زمین میرویم. علم هواشناسی مدرن صراحتاً تأیید میکند که اتمسفر دقیقاً مانند یک گنبد یاسقف فشرده گازی و مقناطسی. تمام کره زمین را احاطه کرده است. کلمه «محفوظ»؛ {حفاظت شده} این حقیقت را به اوج میرساند: این سقف زمین را از پرتوهای مرگ بار خورشید ی. مانند اشعه فرا بنفش و ایکس {و بمباران روزانه هزاران شهاب سنگ حفظ میکند. بنابراین ترکیب آیه دوازده سوره فصلت} که میفرماید در هر آسمانی ماموریتش را وحی کردیم {با آیه سی و دو سوره انبیا} که ماموریت آسمان را سقف محفوظ میداند. برهان قاطعی است بر اینکه این هفت طبقه همان جوی محافظتی سیاره ماست که در دوروز پایانی از تصفیه گازهای زمین پدید آمده است: از نگاه عقلی هم غیر قابل باور است که بگویم زمین با این کوچکی که به اندازه یک دانه شنی از کل مساحت های جهان محسوب نمیشود. چهارروز را دربر گرفته باشد و کل جهان دیگر با میلیارد ها کهکشان و تریلیون ها ستاره و سیاره دوروز را دربر گرفته باشد؟ شگفتی بزرگ تر و هندسه ی بی نظیر این اندازه گیری در این است که با وجود ضخامت و امتداد نزدیک به ۱۰ هزار کیلومتری این لایه های حفاظتی بر فراز زمین، این درِ مستحکم هرگز مانع دیدن عظمت کیهان نمی شود. این سقف ضخیم، بر خلاف ماهیت حجم خود، کائنات را از دیدگان ما پنهان

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۲۵

نمی‌سازد؛ بلکه با مهندسی فوق‌دقیق فیزیکی، به گونه‌ای طراحی شده که پرتوهای کشنده‌ی کیهانی را مهار می‌کند، اما نور لطیف و زیبای ستارگانِ دوردست را به سلامت از خود عبور داده و در معرض دیدِ انسان قرار می‌دهد. این همان فرمول‌نویسی، موازنه و اندازه‌گیری بی‌نظیرِ آفریدگار جهان است که در پایان آیه با اقتدار تمام می‌فرماید: "ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ" (این است اندازه‌گیری و تقدیرِ خداوندِ شکست‌ناپذیر و دانا)؛ تدبیری که هم امنیتِ حیاتِ روی زمین را تضمین کرد و هم پنجره‌ای رو به تماشای عظمتِ کائنات برای بشر گشود. «در اینجا ممکن است منتقدان ناآگاه شبهه‌ای مطرح کنند و بگویند: چگونه قرآن ذکر فرموده که خورشید و ستارگان پس از خلقت زمین و لایه‌های آسمان پدید آمده‌اند، در حالی که علم نجوم اثبات کرده ستارگان میلیاردها سال پیش از زمین خلق شده‌اند؟ پاسخ به این اشکال، در درک فیزیکی فرآیند تصفیه جوّ و معنای واژه‌ی "زینّا" نهفته است. در لغت، زینت دادن به معنای خلقِ اولیه نیست، بلکه به معنای آشکار ساختن زیباییِ یک پدیده است. پیش از این اثبات کردیم که در مراحل اولیه، جوّ زمین توده‌ای فوق‌العاده غلیظ، تاریک و مملو از دوده‌های آتشفشانی (دُخان) بود؛ به گونه‌ای که هیچ نوری از فضا به سطح زمین نمی‌رسید و ستارگان هرگز دیده نمی‌شدند. اما هنگامی که در مرحله‌ی نهایی شش روز، این توده‌ی دخانی تصفیه شد و آسمان به هفت لایه‌ی شفاف گازی تبدیل

۲۶ / صلاح الدین سادات

گردید، برای نخستین بار سدِ دودیِ آسمان شکست و نور ستارگان و اجرام فضایی که از میلیاردها سال قبل در کیهان خلق شده بودند از جو عبور کرد و بر پوسته زمین تابید. پروردگار با شفاف ساختنِ اتمسفر، ستارگان را در سقفِ زمین پدیدار و نمایان ساخت تا بسانِ چراغ‌هایی (مصاییح) مایه روشنائی و زینتِ آسمانِ شبِ زمین گردند. این انطباقِ فوق‌دقیق میانِ زمانِ شفافیتِ جو و پدیدار شدنِ ستارگان، جلوه‌ای دیگر از مهندسیِ مقتدرانه‌ی آفریدگار داناست. «خداوند متعال در پایانِ مرحله‌ی ششم فرمود که به هر طبقه ماموریت و دستورالعمل فیزیکی خاصی را وحی کرد تا زنده گی بر روی زمین پایداری یابد امروزه علم فزیک فضا و هواشناسی. این هفت طبقهٔ گازهای تصفیه شده را که دور زمین جابجاشده اند. بانام هاوماموریت های مشخص علمی این گونه باز خوانی میکند؟

طبقهٔ اول آسمان

آسمانِ حیات و پدیده‌های جوی: اگرچه واژه "سما" در لغت به هر بلندی و بالادستی اطلاق می‌شود، اما هرگاه در قرآن کریم در کنار زمین و به صورت طبقات هفت‌گانه ذکر شود، منحصرأً به نظام جوی دور زمین اشاره دارد. دانشمندان علوم فضایی و هواشناسی، ضخامت این طبقهٔ اول که آن را تروپوسفر می‌نامند —

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۲۷

را به طور میانگین تا حدود ۱۰ الی ۱۲ کیلومتری بالای زمین برآورد کرده‌اند. این لایه حیاتی متشکل از ۷۸ درصد نیتروژن، ۲۱ درصد اکسیژن و ۱ درصد سایر گازهاست. این آسمان، مماس با زمین و بستر اصلی زندگی تمام جانداران، پرندگان و پرواز هواپیماهای مسافربری است. تمامی پدیده‌های اقلیمی اعم از تشکیل ابرها، بارش برف و باران، و رعد و برق، منحصرأ در همین طبقه رخ می‌دهد. این واقعیت علمی، انطباق شگفت‌آوری با تعبیر قرآن کریم دارد؛ آنجا که خداوند در ده‌ها آیه، این لایه باران‌زا را به نام آسمان خوانده و می‌فرماید: "وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً" (و از آسمان آبی فرو فرستادیم). این آیه صراحتاً تایید می‌کند که آسمان متصل به زمین، همان گهواره نزول برکات و باران است. «یکی دیگر از شگفتی‌های فیزیکی طبقه اول (تروپوسفر) این است که با افزایش ارتفاع، دما به شدت افت کرده و در مرز ۱۰ تا ۱۲ کیلومتری به حدود منفی ۵۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد؛ هم‌زمان، تراکم اکسیژن و فشار هوا نیز به شدت کاهش می‌یابد. این حقیقت علمی پنهان را قرآن کریم در زمانه‌ای که هیچ وسیله پروازی وجود نداشت، به عنوان یک اصل مسلم فیزیکی تایید کرده است؛ آنجا که در سوره انعام آیه ۱۲۵ می‌فرماید: "وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعْدُ فِي السَّمَاءِ" (و هر کس را که بخوهد در گمراهی‌اش واگذارد، سینه‌اش را تنگ و سخت می‌گرداند، گویی به زحمت در آسمان بالا می‌رود). خداوند

۲۸ / صلاح الدین سادات

متعال در این آیه، ابتدا این لایه را مجدداً "آسمان" می‌نامد و سپس حالت روحی و روانی مشرکان را به حس خفگی و تنگی قفسه سینه (هیپوکسی) کسی تشبیه می‌کند که در جوّ زمین بالا می‌رود. این تصویرگری دقیق از قفل شدن نفس به دلیل کمبود اکسیژن در ارتفاعات، برهانی قاطع بر اعجاز علمی قرآن و پیوند ناگسستنی آیات با فیزیک جوّ سیاره ماست

«مأموریت حرارتی و احاطه ملموس طبقه اول. از نظر فیزیک فضا، حیاتی‌ترین وظیفه این طبقه، تعدیل و تنظیم دمای سیاره زمین است. گازهای این لایه با ایجاد تعادل گرمایی، مانع از نوسانات کشنده دما می‌شوند؛ به‌طوری‌که اگر این طبقه گازی وجود نداشت، بلافاصله پس از طلوع آفتاب سوزان، دما به بیش از ۱۲۰ تا ۱۷۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسید و با غروب آن، سرما تا منفی ۹۰ الی ۱۳۰ درجه سانتی‌گراد سقوط می‌کرد که در هر دو صورت، حیات مادی پایداری نمی‌یافت. شگفت‌انگیز است که قرآن کریم این آسمان را کاملاً مماس، هم‌نشین و هم‌آغوش با زمین توصیف کرده است؛ چنانچه در سوره سبأ آیه ۹ می‌فرماید: "أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ" (آیا به آنچه از آسمان و زمین در پیش رو و پشت سرشان است ننگریستند؟). خداوند در این آیه، آسمان را نه در پهنه دوردست بالای سر، بلکه در جهت‌های "پیش رو" و "پشت سر" در کنار زمین ذکر می‌کند. این تعبیر بیانی دقیق از احاطه ملموس

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۲۹

گازهای جوی است که در رگ رگ محیط زیست ما مخلوط شده و گهواره حیات را پدید آورده‌اند. این بود بازخوانی طبقه اول آسمان از نگاه علم و قرآن.؟

طبقه دوم آسمان

«طبقه دوم؛ آسمان فیلترکننده و وارونگی دما: بر اساس دستاوردهای نجومی و فیزیک فضا، طبقه دوم جو زمین که به نام علمی «استراتوسفر» شناخته می‌شود، از ارتفاع ۱۰ الی ۱۲ کیلومتری آغاز شده و تا عمق ۵۰ کیلومتری بالای زمین امتداد می‌یابد. این آسمان یک ویژگی فیزیکی شگفت‌انگیز دارد که آن را از طبقه اول متمایز می‌کند؛ در حالی که در طبقه اول با افزایش ارتفاع هوا سردتر می‌شد، در طبقه دوم با بالا رفتن، درجه حرارت به تدریج افزایش می‌یابد. علت این پدیده، مأموریت فیزیکی منحصربه‌فردی است که در تکوین این لایه نهاده شده است. این آسمان حاوی «گاز اوزون» است؛ سپری حیاتی که مأموریت دارد پرتوهای خطرناک فرابنفش (UV) خورشید را جذب و فیلتر کند. این فرآیند جذب انرژی، دما را در این لایه بالا می‌برد. از نظر علم پزشکی و زیست‌شناسی، در صورت نبود این طبقه و مأموریت وحی‌شده در آن، تمام ساکنان زمین با بمباران پرتوهای سرطان‌زا مواجه شده و حیات بر روی پوسته زمین به کلی ساقط می‌شد. این بود ساختار و مأموریت فیزیکی طبقه دوم آسمان.»

طبقه سوم آسمان

بر اساس تحقیقات دانشمندان علوم نجوم و هواشناسی، طبقه سوم آسمان زمین از ارتفاع ۵۰ کیلومتری آغاز شده و تا ۸۵ کیلومتری بالای زمین امتداد می‌یابد [که در علم امروز به آن مزوسفر می‌گویند]. این لایه برعکس طبقه دوم، به شدت رو به سردی می‌گذارد؛ به گونه‌ای که دمای بخش‌های بالایی آن تا منفی ۹۰ درجه سانتی‌گراد کاهش می‌یابد. وظیفه حیاتی و مهم این طبقه، محافظت از زمین در برابر شهاب‌سنگ‌هاست. این لایه مانع برخورد اجرام سرگردان کیهانی به سطح زمین می‌شود و آن‌ها را بر اثر اصطکاک شدید، کاملاً سوزانده و به پودر تبدیل می‌کند. در شب‌های تاریک و آسمان صاف، شما نیز می‌توانید صحنه سوختن این اجرام را مشاهده کنید؛ هنگامی که به آسمان می‌نگرید گاه گاهی خطوط نوری بسیار سریعی را می‌بینید، در واقع شاهد خاکستر شدن شهاب‌سنگ‌ها در همین طبقه سوم آسمان هستید.»

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۳۱

اگر این طبقه نبود، همه روزه هزاران شهاب سنگ به زمین برخورد می کرد و جان هرموجود روی زمین را می گرفت.

طبقه چهارم آسمان

طبقه چهارم آسمان زمین از ارتفاع ۸۵ کیلومتری آغاز شده و تا ۷۰۰ کیلومتری بالای زمین امتداد دارد [که در علم امروز به آن ترموسفر می گویند]. در این طبقه از آسمان، پدیده شگفت انگیز و زیبای "شفق های قطبی" تولید می شود. مأموریت حیاتی این طبقه، جذب و خنثی کردن پرتوهای مخرب و مرگبار ایکس (X) و گامای خورشیدی است. این لایه برخلاف طبقه سوم، مجدداً رو به گرمی می گذارد و درجه حرارت آن بین ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ درجه سانتی گراد نوسان می کند. نکته شگفت انگیز اینجاست که این طبقه، قلمرو اصلی حرکت دست سازه های فضایی انسان، یعنی ماهواره ها و ایستگاه های فضایی است. شاید این پرسش مطرح شود که چطور این سازه ها در دمای ۱۵۰۰ درجه ای ذوب نمی شوند؟ علت علمی این پدیده، رقت و تراکم فوق العاده ناچیز مولکول های هوا در این ارتفاع است. به دلیل فاصله بسیار زیاد

۳۲/ صلاح الدین سادات

میان ذرات گاز، انرژی و حرارت به بدنه فضاپیماها منتقل نمی‌شود و در نتیجه، این لایه گرمای سوزاننده‌ای بر سازه‌های فضایی تحمیل نمی‌کند.»

طبقه پنجم آسمان

طبقه پنجم آسمان زمین از ارتفاع ۷۰۰ کیلومتری آغاز شده و تا حدود ۱۰،۰۰۰ کیلومتری بالای زمین امتداد می‌یابد [که در علم امروز به آن اگروسفر و قلمرو سپر مغناطیسی یا مگنتوسفر می‌گویند]. این طبقه نیز به نوبه‌ی خود، وظیفه دارد امواج و پرتوهای ناشی از انفجارهای سهمگین خورشیدی (طوفان‌های خورشیدی) را دفع کند و اجازه ندهد که تالو و ذرات باردار این انفجارها از این مرز عبور نمایند. اگر این سپر حفاظتی نبود، بادهای شدید خورشیدی تمام گازهای موجود در لایه‌های زیرین و اتمسفر زمین را می‌بلعیدند و از بین می‌بردند. بنابراین، هر یک از این طبقات آسمان، مأموریت و وظیفه خاص خود را بر عهده دارند؛ چنانچه در سوره مبارکه انبیاء آیه ۳۲ نیز آمده است که

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۳۳

آسمان به عنوان سقفی محفوظ و حفاظتی برای زمین ساخته شده است.» این طبقات از آسمان از نگاه علمی بنام تروپوسفر، و استراتوسفر، و مزوسفر، و ترموسفر، و اگزوسفر، و یونوسفر، و مگنتوسفر، شناخته میشوند. اما از نگاه قرآن همه بنام آسمان یاد شده است. تحقیقات علمی تا ۱۰۰۰۰ کیلومتری بالای زمین را بررسی نموده به پنج طبقه تقسیم کرده اند. طبقه ششم و هفتم آنقدر وسیع است که اسباب امروزی نمی‌تواند محدوده آنرا تعیین کند، امکان دارد در آینده‌ها با پیشرفت علم و تکنالوژی محدوده آن‌ها هم معلوم شود. حالامی پردازیم به طبقه ششم و هفتم آسمان از نگاه قرآن.

طبقه ششم و هفتم آسمان

خداوند متعال پس از ساماندهی لایه‌های درونی، در گام نهایی، طبقه ششم و هفتم آسمان زمین را در ابعادی بسیار وسیع و شگفت‌انگیز بنیان نهاد؛ آن‌گونه که در سوره مبارکه نوح آیات ۱۵ و ۱۶ می‌فرماید: "أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا * وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا" (آیا ندیدید که چگونه خداوند هفت آسمان را طبقه طبقه آفرید؟ و ماه را در میان آن‌ها روشنی‌بخش و خورشید را چراغی فروزان قرار داد). از آنجا که خورشید و ماه در فضای بیرونی این لایه‌ها قرار دارند، طبقه ششم و هفتم به عنوان وسیع‌ترین و بیرونی‌ترین دژهای حفاظتی

۳۴ / صلاح الدین سادات

زمین، مستقیماً با منظومهٔ شمسی در ارتباط هستند. طبقهٔ ششم (اگزوسفر)، غلاف نهایی گازی زمین است که مانع فرار اتمسفر به خلأ فضا می‌شود. طبقهٔ هفتم (مگنتوسفر)، همان سپر فوق‌العاده وسیع مغناطیسی است که زمین و ماه را در بر گرفته است. این طبقه، مأموریت دارد تا طوفان‌های سهمگین خورشیدی و پرتوهای کشنده کیهانی را که از سوی خورشید (سراج) به سمت زمین گسیل می‌شوند، مهار و منحرف کند. اگر مهندسی این دو لایه نهایی و وسیع نبود، بادهای خورشیدی در چشم برهم زدن اتمسفر و آب‌های زمین را می‌سوزاندند، تمام حیات روی سیاره محو می‌شد و زمین به صخره‌ای مرده در فضا تبدیل می‌گشت. این‌گونه است که تفکیک طبقات هفت‌گانهٔ آسمان، سقف حفاظت‌شده حیات را کامل کرد.»

بررسی دقیق این مهندسی شش‌مرحله‌ای، ما را به حقیقتی بزرگ و تکان‌دهنده می‌رساند. در اینجا باید از خود پرسید: چگونه ممکن است توده‌های سنگین، مخرب و مرگبار دوده‌های آتش‌فشانی و گازهای سمی اولیه، به جای نابودی سیاره، با چنین نظم ریاضی‌وار و شگفت‌انگیزی تفکیک شوند و به هفت طبقهٔ جوّی حفاظتی برای حیات تبدیل گردند؟ پروردگار حکیم، این هفت طبقهٔ جوّی زمین را در یک موازنه، توازی فیزیکی و هندسه‌ای فوق‌دقیق آفریده و به انسان اکیداً تأکید کرده است که این موازنه و تعادل الهی را از صمیم قلب محافظت کند؛ چرا که هرگونه آسیب به آن،

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۳۵

زبانی است که به خودِ انسان بازمی‌گردد و هر طبقه‌ای از آن، مأمور حفاظت از حیاتِ روی زمین است. چنان‌که خداوند متعال در سورهٔ مبارکهٔ الرحمن آیات ۷ و ۸ این حقیقت را این‌گونه ترسیم می‌فرماید: "وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ * أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ؟" و آسمان را برافراشت و نظام موازنه و سنجش را [در آن] نهاد، تا مبادا در این موازنه و سنجش طغیان و تجاوز کنید!». «این آیه صراحتاً هشدار می‌دهد که برافراشته شدن آسمان (جو زمین) همراه با یک "میزان" و تعادل فیزیکی و شیمیایی بسیار حساس بوده است و طغیان انسان در این میزان (مانند تولید گازهای گلخانه‌ای و تخریب اتمسفر)، مستقیماً سقف حفاظتی حیات خود او را ویران خواهد کرد.» و چگونه این سیاره‌ی کوچک، در میان میلیاردها کهکشان و تریلیون‌ها ستاره، در یک تعادل، موازنهٔ مداری میلی‌متری و فوق‌دقیق استوار می‌ماند؟ بنابراین، متن صریح قرآن و براهین قاطع علمی به ما می‌آموزاند که پیدایش حیات بر روی زمین، هرگز حاصل یک تصادف کور و بی‌هدف مادی نیست؛ بلکه ثمره‌ی برنامه‌ای دقیق، مهندسی‌شده و پیش‌بینی‌شده از سوی آفریدگار کیهان است. برنامه‌ای شگفت‌انگیز که در آن، ابتدا با فرمان تکوینی "کُن" نیروهای بنیادی پدید آمدند، سپس در بستر زمان، کالبد زمین تکوین یافت و کوه‌هایش برافراشته و استوار گشتند، و در نهایت، جو آن تصفیه و نظام‌مند گردید. هنگامی که تمام این زیرساخت‌های فیزیکی و سپرهای

۳۶/ صلاح الدین سادات

حفاظتی زمین به پایه‌ی کمال رسید، پرونده‌ی این "شش روز بومی" بسته شد و فرمان آغاز زندگی و تجلی حیات بر روی زمین صادر گردید.»

پی در پی بودن هفت طبقه آسمان

در تداوم و پیوستگی این مهندسی، دانشمندان علوم نجوم و هواشناسی دریافتند که لایه‌های هفت‌گانه‌ی جو زمین همگی به یکدیگر متصل، مماس و پیایی هستند. از نگاه قرآن کریم نیز این آسمان‌ها کاملاً متصل و بر روی یکدیگر چیده شده‌اند؛ چنان‌که در سوره مبارکه ملک آیه ۳ می‌فرماید: "الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا" و نیز در سوره نوح آیه ۱۵ تکرار می‌فرماید: "أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا" (همان کسی که هفت آسمان را بر روی یکدیگر طبقه به طبقه آفرید). واژه "طَبَاق" صراحتاً بیان می‌کند که این آسمان‌ها لایه‌هایی متصل و منطبق بر هم هستند، نه جدا از یکدیگر. این حقیقت، دقیقاً با گزارشات و یافته‌های علمی مدرن درباره ساختار پیوسته‌ی اتمسفر مطابقت دارد. بنا بر این آیات، آن دسته از روایات غریب که می‌گویند یک طبقه در این جهان است و طبقات دیگر در جهان‌های دوردست دیگر قرار دارند، کاملاً رد می‌شود. علاوه بر پیوستگی، خداوند متعال به استحکام و نفوذناپذیری این سقف حفاظتی اشاره کرده و در سوره مبارکه نبا آیه ۱۲ می‌فرماید: "وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا" (و بر فراز شما هفت بنای استوار و محکم بنا کردیم) گرچه این طبقات

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۳۷

از گازهای لطیف ساخته شده‌اند، لیکن آن قدر سخت و مقاومند که توده‌های عظیم شهاب‌سنگ‌هایی که با سرعت‌های سرسام‌آور به طرف زمین می‌آیند، نمی‌توانند از این طبقات عبور کنند و در اثر اصطکاک شدید با این لایه‌ها، ذوب و خاکستر می‌شوند. واژه "شِداد" (به معنای بسیار سرسخت و محکم) به خوبی توصیف‌کننده این حقیقت است که این لایه‌ها، صرفاً گازهای رها شده در فضا نیستند؛ بلکه یک سیستم دفاعی نفوذناپذیر و کاملاً مهندسی‌شده هستند. در واقع، این لایه‌ها مانند یک صافی هوشمند عمل می‌کنند؛ سنگ‌های سرگردان و پرتابه‌های خطرناک کیهانی را متوقف و نابود می‌سازند، اما به سفینه‌ها و اجسامی که انسان‌ها با علم، محاسبات ریاضی و طراحی دقیق ساخته‌اند، اجازه عبور می‌دهند. این تفکیک هوشمندانه، مأموریتِ همان سقفی است که پروردگار برافراشته است. «علاوه بر آن، این لایه‌های حفاظتی صرفاً گازهایی معلق و رها در اطراف زمین نیستند، بلکه بخش جدایی‌ناپذیری از پیکره‌ی سیاره ما محسوب می‌شوند. این طبقات پنج‌گانه گازی، دقیقاً هم‌گام و هم‌سرعت با چرخش زمین، با سرعتی نزدیک به ۱۶۰۰ کیلومتر در ساعت به دور مرکز زمین می‌چرخند. اگر این لایه‌ها پا به پای زمین با این سرعت سرسام‌آور حرکت نمی‌کردند، بر روی سطح سیاره شاهد باده‌ها و توفان‌های هولناکی با سرعت ۱۶۰۰ کیلومتر در ساعت بودیم که در یک آن، همه‌چیز را از روی سطح زمین پاک و نابود

۳۸ / صلاح الدین سادات

می‌کرد. این هم‌گردی و پیوستگی، همان "بنای محکمی" (شداداً) است که زمین را صمیمانه در آغوش گرفته است تا انسان‌ها در میان این حرکت و چرخش فوق‌العاده سریع، در کمال آرامش و امنیت زندگی کنند و زمین برای آنان بسان یک گهواره‌ی آرام باشد.»

هفت طبقه بودن زمین

ساختار درونی و پیوند آن با آسمان: خداوند متعال همان‌گونه که آسمان زمین را هفت طبقه بنیان نهاد، لایه‌های درونی ساختار زمین را نیز هفت‌گانه آفریده است؛ چنان‌که در سوره مبارکه طلاق آیه ۱۲ صراحتاً می‌فرماید: "اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ..." (خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آن‌ها را خلق کرد). پیش از این خواندید که خداوند در مراحل نخستین، کالبد زمین را تکوین و گسترش داد؛ اکنون مشخص می‌شود که این گسترش، در قالب هفت لایه‌ی درونی شکل گرفته است. این طبقات درونی زمین، دقیقاً بسان هفت طبقه‌ی آسمان، از اهمیت زیستی و حفاظتی خاصی برخوردارند. حقیقت تکان‌دهنده این است که لایه‌های

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۳۹

درونی و بیرونی زمین در یک ارتباط مستقیم، زنده و متقابل با یکدیگر هستند؛ اگر لایه‌های بالایی و جوّی نباشند، انسان‌ها بلافاصله در اثر نبود اکسیژن و عدم تعادل فشار هوا نابود می‌شوند؛ و از سوی دیگر، اگر لایه‌های متراکم و گداخته‌ی درونی زمین (به‌ویژه هسته مرکزی) وجود نداشته باشند، زمین میدان مغناطیسی خود را از دست می‌دهد، سپر حفاظتی جوّ در هم می‌شکند و کل اتمسفر توسط طوفان‌های خورشیدی تبخیر و نابود می‌شود. این هم‌بستگی کامل میان "سبع سماوات" و "من الارض مثلهن"، ضامن اصلی بقای حیات در این سیاره است. «در ژرفای زمین، هسته مرکزی آن قرار دارد؛ هسته‌ای که به عنوان قلب تپنده‌ی فیزیکی سیاره، با کل کیهان در ارتباط است. خداوند متعال در ادامه‌ی آیه ۱۲ سوره طلاق می‌فرماید: "يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ" (فرمان و تدبیر الهی در میان آن‌ها [آسمان‌ها و زمین] همواره نازل می‌شود). با وجود فاصله‌های نجومی و عظمت بی‌کران فضا، یک ارتباط و موازنه فوق‌دقیق میان هسته زمین و پهنه کائنات برقرار است؛ نیروها و میدان‌های مغناطیسی که از اعماق و هسته‌ی زمین به سمت بالا فوران می‌کنند، با پرتوهای پرنرژی کیهانی و بادهای خورشیدی که از عمق فضا به سمت زمین می‌آیند، در فضای میانی با یکدیگر ملاقات می‌کنند. در این رویارویی، سپر مغناطیسی زمین این پرتوهای مرگبار را منحرف و خنثی می‌سازد تا محیطی کاملاً امن و آرام برای حیات انسان

۴۰ / صلاح الدین سادات

فراهم شود. این جریان مداوم نیروها، همان نزول امر و تدبیر پایدار الهی میان زمین و آسمان است. از این رو، خداوند در پایان این آیه تکان دهنده می‌فرماید: "لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا" (تا بدانید که خداوند بر هر چیزی تواناست و به راستی علم خدا بر همه چیز احاطه دارد). پروردگار این عبارت را در پایان آیاتی می‌آورد که عظمت مهندسی آن فراتر از قدرت، محاسبه و حتی تخیل انسان است؛ ساختاری که در آن، بقای انسان روی زمین به موازنه‌ای میلی‌متری میان اعماق زمین و اعماق کیهان وابسته است.»

پیدائیش آب در زمین

سبب زندگی همه زنده جانها آب است، چنانچه در سوره انبیاء بخشی آیه «۳» چنین می‌فرماید، وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (۳۰) ترجمه و هر چیزی زنده ای را از آب پدید آوردیم پس چرا ایمان نمی‌آورند ..؟ آب از دو طریق در زمین بوجود آمده طریق اول مقادیر زیاد آب از داخل خود زمین بیرون آمده، در اعماق زمین در لایه بنام گوشته مقدار عظیم آب به شکل ترکیبات معدنی وجود داشت در ابتدای شکل گیری زمین، فعالیت آتش فشانی این آب هارا بصورت بخار از دل زمین خارج کرد، این بخار ها در جوی اولیه سرد شدند. سپس به شکل باران های سیل آسا به زمین باز گشتند. این بازگشت سیل آسا سالیان سال دوام

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۴۱

داشت. و اقیانوس ها را در گودال ها سرا زیر کردند، این همان آب است که خداوند متعال در سوره نازعات، آیه (۳۱) چنین می فرماید: «أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا». یعنی بیرون کرد از خود زمین آبش را و گیاها نش را.. یعنی آبی که داخل زمین بود بیرون آورد.. پس از تبیین طریق اول که منشاء درونی و آتشفشانی داشت اکنون طریق دوم پیدایش آب روی سیاره می رسمیم که دارای منشاء کاملاً فضایی دارد و بیرون بومی است. خداوند متعال این واقعه عظیم و حجم شگفت انگیز ورود آب به زمین را در سوره مبارکه عبس آیه (۲۵) چنین می فرماید: «أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا». ترجمه:، به تحقیق ریختیم ما آب را ریختنی عجیب.. گرچه عموم مفسران سنتی این آیه را صرفاً به بارش باران های معمولی توجیه کرده اند. اما تامل دقیق در لغت قرآن و فزیک فضا، پرده از حقیقتی بسیار بزرگ تر بر می دارد. در لغت واژه؛ صب؛ بمعنای ریزش شدید. انبوه و یگبار آب از ظرف یا مکان بلند به سمت پائین است. به طور که حجم وسیعی از آب به یگبار خالی شود. این در حالی است که قرآن کریم وقتی از باران های معمولی اتمسفری سخن می گوید تعبیر صریح {انزلنا} فرود آوردن تدریجی با واژه های چون؛ مطر؛ و غیث؛ را به کار می برد که دلالت بر ریزش آرام، قطره قطره و اندازه گیری شده دارد. اما در سوره عبس، استفاده از واژه؛ صب؛ تکرار آن به صورت مفعول مطلق تاءکید مقتدرانه {صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا} نشان دهنده یگ منشاء خارق العاده وافر

۴۲ / صلاح الدین سادات

و بسیار سنگین است : این نص صریح. انطباق بی نظیری با گزارش های مدرن کیهان شناسی دارد. دانشمندان اختر شناسی اثبات کرده اند که در فاز دوم شکل گیری زمین. منظومه شمسی درونی زیر آتش سنگین ؛ دنباله دارها و سیارک های یخی؛ بود که از اعماق فضا به سمت زمین هجوم می آوردند. این دنباله دارها حاوی مقادیر نجومی از آب یخ زده ای خالص بودند. در بدو برخورد با پوسته و جوی زمین. به یگبار ه حجم سرسام آوری از آب مایع رابه پوسته تزریق کردند . این ریزش فضا یی و هجوم توده آب از پهنه کاینات به درون گودال ها ی زمین. دقیقا معنای هندسی و فیزیکی؛ صب الماء؛ است بنا برین اقیانوس های زمین حاصل یگ مهندسی دوقلو هستند: بخشی از آب از قعر لایه گوشته به بیرون جوشید {اخرج منها ماءها} و بخشی عظیمی نیز به عنوان یگ رحمت فضایی بر زمین فرو ریخت {صببنا الماء صبا} تا مهد اولیه و مبدای حیات آماده رویش گردد. خداوند متعال در سوره مبارکه عبس آیات « ۲۵ » تا « ۲۷ » زنجیره تکاملی بی نظیری از آماده سازی نهایی پوسته زمین برای ظهور حیات را ترسیم می فرماید: پس از فرو ریختن و افرو سنگین آب از فضا به درون گودال ها یی سیاره اراده الهی بردگر گونی ساختاری پوسته قرار گرفت ؟ خداوند در آیه « ۲۶ » به آوردن حرف؛ ثم؛ که در زبان عربی دلالت بر بعدی زمانی و گزشت دوران دارد . مرحله بعدی را این گونه بیان میفرماید: (ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا) { سپس زمین را به

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۴۳

صورت عجیبی شکافتیم و تکه تکه کردیم { این شقه شقه کردن زمین سببی پیدایش قاره ها گردید. اگرچه اکثر مفسران سنتی این شق شدن را به جوانه زدن و شکافتن خاک توسط دانه های گیاهی تعبیر کرده اند. اما این برداشت با نص صریح و هندسه آیات در تناقض است : زیرا خداوند متعال واقعه رویش و جوانه زنی گیاهان را بلافاصله در آیه بعدی به صورت کاملاً علیحده و مستقل با واژه ؛ فانبتنا ؛ {پس رویا نیدیم} ذکر فرموده است . این توالی متنی صراحتاً اثبات میکند که شق شدن زمین یگ روی داد بزرگ کلان و فزیزی بر روی پوسته سیاره بوده که پیش از پیدایش گیاهان رخ داده است.؟ این نص صریح : انطباق شگفت آوری با یکی از بزرگ ترین کشفیات زمین شناسی مدرن دارد. دانشمندان زمین شناسی اثبات کرده اند که پیش از پدید آمدن آب و شکل گیری اقیانوس های کامل. تمام بخش های خشکی سیاره زمین یگپارچه. متصل و به شکل یگ ابر قاره واحد و عظیم بوده اند. اما با تجمع آب ها و نفوذ مایه حیات به اعماق گسست ها. روان کاری صفحات فیزیکی آغاز شد. تحت تأثیر فشارهای هیدرولیکی عظیم آب و جریان های مذاب زیرین. این پوسته یگپارچه دچار گسیختگی های سهمگین. درزهای عمیق و شکاف های مدام گردید. در اثر این واقعه. ابر قاره واحد تکه تکه و پارچه پارچه شد. وقاره ها و صفحات امروزی پدید آمدند. این شکافتن پوسته و شکل گیری خطوط ساحلی و دره ها. زیر ساخت حرکتی و خاک شناسی

۴۴ / صلاح الدین سادات

لازم را فراهم آوردتا پس ازپایداری. صفحات فرمان نهایی که رویا نیدن دانه ها وگیا هان میباش صادر شودو حیات نباتی بروی این خشکی های ازهم جدا شده آغازگردد. نکته ظریف وفوق العاده عمیق دیگری که در هندسه این آیات نهفته است. به کاررفتن روءیدن گیاهان ودرختان بعداز شقه شقه شدن زمین است ؟ اگرخشکی های زمین به صورت یگ ابرقاره یگ نواخت وبدون شکاف باقی میماندند: مناطقی مرکزی آن به بیابان های مطلق وداغ تبدیل شده واز هرگونه رویش محروم می شدند ؟ واما مهندسی آفریدگار اگاه کائنات. باشکافتن پوسته ونفوذرطوبت . بسترا برای پیدایش جنگل های عظیم ودرختان غول پیکرفراهم ساخت: حقیقتی که قرانکریم درادامه آیات سوره عبس. بلافاصله پس از ذکرشق شدن زمین. باتعبیرشگفت انگیز { باغ هاو جنگل های انبوه ودرهم تنیده } از آن یاد میکند. هدف نهایی این مهندسی دوقلو { توزیع آب درقاره ها وتولید اکسیژن توسط جنگل ها } درآیه « ۳۲ » با جمله ؛ متاعا لکم ولانعامکم ؛ { تا مایه بهره گیری وبقای شما وچهارپایان شما باشد. } آشکارمیشود. این نص صریح. اثبات میکند که رویش درختان انبوه پس ازتکه تکه شدن زمین یگ برنامه دقیق برای تاءمین هم زمان دوشاهرگ اصلی زندگی موجودات هوشمند یعنی ؛ غذا ؛ واکسیژن تنفس ؛ بوده است تا گهواره زمین آماده میزبانی ازانسان گردد.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۴۵

بیانیه تکمیلی و برهانِ اتمامِ پروژه گهواره حیات اکنون با چیدن قطعات این پازل الهی، زنجیره مهندسی سیاره ما به روشن‌ترین شکل ممکن در برابر دیدگان ما آشکار می‌شود: « ۱ » ابتدا هفت لایه درونی و کالبد اصلی زمین در دو روز اول بر اثر بمباران‌های فضایی شکل گرفت (فصلت، ۹) « ۲ » سپس کوه‌های استوار از بالای پوسته زمین در دو روز دوم برافراشته شدند و ریشه‌هایشان زمین را مهار کرد (فصلت، ۱۰) « ۳ » سپس هفت طبقه گازی و اتمسفر حفاظتی در دو روز سوم از تصفیه دخان و گازهای آتشفشانی بر فراز زمین بنا گردید (فصلت، ۱۱ و ۱۲) « ۴ » پس از آماده‌سازی جو، پیدایش و خروج آب از دل زمین و اعماق فضا به کمال رسید (نازعات، ۳۱ و عبس، ۲۵) « ۵ » در پی ورود آب، پوسته یکپارچه شکافت و قاره‌ها و صفحات زمین پدید آمدند (عبس، ۲۶) « ۶ » و در نهایت، با ایجاد رطوبت و خاک حاصلخیز، گیاهان، دانه‌ها و درختان انبوه برای تولید اکسیژن و غذا سراسر خشکی‌ها را فراگرفتند (عبس، ۲۷ و ۳۰). با اتمام این چرخه‌های شگفت‌انگیز، سیاره زمین به پایه اکمال و پایداری مطلق رسید. دقیقاً در همین نقطه از تکامل است که خداوند متعال در سوره مبارکه ق آیه ۳۸، صراحتاً از پایان یافتن این پروژه بومی سخن گفته و می‌فرماید: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ» (و قطعاً آسمان‌ها [جو هفت‌لایه] و زمین و آنچه را میان آن‌هاست در شش روز آفریدیم و هیچ‌گونه

۴۶ / صلاح الدین سادات

خستگی به ما نرسید. نکته فوق العاده عمیق در نص این آیه، تعبیر «وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ» (هیچ خستگی به ما نرسید) است. در منطق کلام، سخن گفتن از خستگی یا عدم خستگی، تنها و تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که یک پروژه و کار مشخص به اتمام و پایان رسیده باشد. این آیه صراحتاً اثبات می‌کند که آن پروژه شش مرحله‌ای (شش روزه) که برای ساخت، تصفیه و آماده‌سازی زمین و جو آن تعریف شده بود، به طور کامل بسته شده و زمین آماده میزبانی از حیات گشته است. اما اگر طبق تئوری‌های علمای سنتی، این شش روز را ظرف زمانی خلقت کل کائنات و جهان هستی فرض کنیم، متن قرآن با یک تضاد آشکار و حل نشده روبرو خواهد شد؛ چرا که پیش‌تر در سوره مبارکه ذاریات آیه ۴۷ اثبات کردیم که خلقت کلان کائنات هرگز تمام نشده، بلکه با قدرت الهی مدام در حال گسترش و توسعه است (وَأَنَّا لَمُوسِعُونَ). و همچنین در سوره مبارکه الرحمن آیه ۲۹ تأکید گردید که آفرینش کیهانی جریانی زنده و لحظه به لحظه است (كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ). بنابراین، کنار هم قرار دادن این براهین و آیات صریح ثابت می‌کند که پروژه باز و رو به گسترش کائنات هرگز پرونده بسته شده نیست؛ در حالی که پروژه شش روزه زمین، جریانی تمام شده و به اكمال رسیده است (بدون لغوب و خستگی). این بیانیه قاطع، آخرین راه را بر توجیهات سنتی می‌بندد و با اقتدار

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۴۷

تمام اثبات می‌کند که این شش روز، منحصرأ مخصوص گهواره زمین و اتمسفر آن بوده است.

درآیت بین هردو یعنی بین زمین و آسمان ذکر شد بین هردو همان نیروهای نا مرئی است که زمین و آسمان را قاءیم نگه داشته است، خداوند متعال تمام این ساختار ها را مخصوص انسان ها ذکر نموده است چنانچه درسوره نازعات

آیت (۳۳)، هم‌چنان در سوره عبس، آیت (۳۲) می‌فرماید: همه این‌ها بخاطر معیشت شما و چهارپایان شما است. از این آیات معلوم می‌شود که تمام ساختار زمین به خاطر انسان‌ها ساخته شده است، گرچه قبل از پیدائیش انسان‌ها میلیون‌ها سال، حیوانات عظیم الجسه در زمین زندگی کرده بودند اما آن‌ها هوشمند نبودند که مأمور به عبادت باشند هوشمندان که مأمور به عبادت اند، انس و جن اند، اما جن‌ها از قرار گفته‌های قرآن کریم، احتیاج به خورد و نوش راندارند چراکه خداوند متعال همه آن چیزهای خوراکی را مختص به انسان‌ها و چهارپایان آن‌ها، ذکر نمود،، خداوند متعال زمین را بانظم حیرت انگیز مهندسی کرد و انسان را به عنوان خلیفه در آن قرارداد، مسؤولیت انسان در قبال این امانت بزرگ در سه محور اصلی خلاصه میشود « ۱ » آبادگری و شگوفای یعنی استفا ده از استعدادها برای شگوفای طبیعت نه تخریب آن چنانچه خداوند متعال درسوره هود ایه شصت و یک چنین می‌فرماید { هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا } یعنی

۴۸ / صلاح الدین سادات

اوشمارا از زمین پدید آورد و از شما خواست که آن را آباد و شگوف سازید {وهمچنین در سورة الرحمن آیه ده چنین میفرماید {وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰)} و زمین را برای زندگی و شگوفای خلائق قرارداد { خداوند متعال میفرماید وظیفه شما انسان ها این است که دست روی دست نگذارید. بلکه با عقل و استعداد که دارید. کشاورزی کنید. درخت بکارید. طبیعت را سرسبز کنید و زمین را آبادتر سازید. نه اینکه با جنگ. آلودگی و تخریب. این مهد امن را ویران کنید. « ۲ » حفظ تعادل میزان، خداوند متعال زمین را با نظم و میزان آفریده است مسئولیت انسان این است که با زیاده خواهی. مصرف گرای بیش حد. و آلوده کردن منابع آب و خاک و هوا این نظم مهندسی شده را به هم نزنند « ۳ » عدالت در بهره برداری، منابع زمین متعلق به همه نسل ها است انسان باید به گونه ای از طبیعت استفاده کند که حقی آینده و سایر موجودات زنده ضایع نشود؟ پس باید انسان این نعمت بزرگ پروردگار را شکر گزاری نموده از اسراف و فساد فی الارض پرهیز نماید ؟

«آغاز حیات در زمین

در بستر آب خداوند متعال با اعلام این حقیقت بزرگ که منشأ هر چیز زنده ای از آب است (وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ)، قاعده ای کلی و بنیادین را ترسیم فرموده، اما جزئیات و چگونگی این

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۴۹

فرآیند پیچیده را به جستجو و تدبیر علمی انسان‌ها واگذار کرده است. امروزه، یافته‌های ژرف بیوشیمی و زیست‌شناسی مدرن، پرده از چگونگی این آغاز شگفت‌انگیز در رحم اقیانوس‌ها برمی‌دارند. بر اساس گزارش‌های متیقن علمی، پس از آنکه اقیانوس‌های اولیه از دو طریق درونی و بیرونی شکل گرفتند، در قعر این آب‌های تیره و در مجاورت چشمه‌های حرارتی و آتشفشانی عمیق دریاها، واقعه‌ای بی‌نظیر رخ داد. آب به عنوان یک حلال هوشمند الهی، عناصر معدنی، کربن و گازهای گوناگون را در خود حل کرد و محیطی سرشار از انرژی به نام "سوپ بنیادین" پدید آورد. تحت تدبیر و اراده‌ی تکوینی آفریدگار، در این بسترِ آبی، مولکول‌های ساده‌ی بی‌جان با یکدیگر ترکیب شده و به مولکول‌های پیچیده‌ی آلی و اسیدهای آمینه تبدیل گشتند. سرانجام، در یک جهش شگفت‌آور، نخستین ساختارهای سلولی زنده و تک‌سلولی‌های اولیه در میان همین آب‌ها متولد شدند؛ موجوداتی میکرو اتمی که توانایی تکثیر و بقا داشتند. این انطباقِ مبهوت‌کننده میان علم و وحی ثابت می‌کند که آب، صرفاً یک ماده برای رفع تشنگی موجودات نبوده، بلکه به معنای واقعی کلمه، "ماتریس و رحمِ اولیه‌ی آفرینشِ حیات" بوده است. پروردگار حکیم، رمزِ زندگی را در تار و پودِ آب و دیعه نهاد تا از درونِ این مایعِ بی‌جان، تنوعِ بی‌کرانِ جانداران را به ارمغان آورد.

گردش زمین

۵۰/ صلاح الدین سادات

زمین سومین سیاره خورشید است، غیر از گردش مرکزی دو نوع گردش خودی دارد. گردش دور خود و هم گردش دور خورشید، گردش دور خود را در ۲۴ ساعت تمام می‌کند که از این چرخش روز و شب به وجود می‌آید که سرعت چرخش آن در خط استوا حدود ۱۶۷۰، کیلو متر بر ساعت است اما هرچه به قطبین نزدیک شویم، این سرعت کمتر می‌شود، و اما چرخش دور خورشید را در ۳۶۵،۵ روز تمام می‌کند از این چرخش سال به وجود می‌آید، زمین با سرعت حدود ۳۰ کیلو متر بر ثانیه در فضای بیکران پیش می‌رود.

خداوند ﷻ گردش زمین را در سوره نمل آیت (۸۸) چنین می‌فرماید: «وَوَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ». ترجمه: می‌بینی کوه‌ها را گمان می‌کنی در جای ایستاده باشند در حالیکه می‌روند مثل رفتار ابرها، یعنی مثل ابر در حرکت می‌باشند. بعضی‌ها مفهوم این آیت را به روز قیامت ربط داده‌اند در حالیکه در قیامت کوه‌ها کاملاً از بین می‌روند، اثر از کوه‌ها باقی نمی‌ماند. بناءً این تشبیه در دنیا است نه در قیامت. نزدیک‌ترین اجرام به زمین ماه است یعنی اندکی بیشتر از یک ثانیه نوری فاصله دارد. یک ثانیه نوری برابر با ۳۰۰ هزار کیلومتر می‌باشد اما فاصله ماه به زمین ۳۸۵ هزار کیلومتر است.

دانشمندان معتقدند که ماه جدا شده از زمین است لکن آنجا زندگی کرده نمی‌شود چراکه جوی آن نازک است، نه از شهاب

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۵۱

سنگ ها محافظت کرده می‌تواند و نه هوای معتدل دارد. وقتی که آفتاب بتا بد درجهٔ حرارت به ۱۷۰ درجه سانتی گرید بالا می‌رود، اما آنطرف که شب است درجهٔ حرارت هوا به منفی ۱۲۰ درجهٔ سانتی گرید پائین می‌آید. هم‌چنان جاذبهٔ آن ضعیف است، به هر شکل آنجا زندگی کرده نمی‌شود.

فاصلهٔ زمین به خورشید ۸ دقیقهٔ نوری است به حساب ما ۱۵۰ میلیون کیلومتر می‌شود.

گردش خورشید همراه با دیگر اجرام آسمانی

خورشید یکی از ستاره های کهکشان راه شیری است که تمام سیارات خود را دور خود می‌چرخاند، علاوه بر آن خورشید با تمام سیاراتش دور مرکز خود که کهکشان است، می‌چرخد. خورشید هم دو نوع چرخش دارد، چرخش دور خود، چرخش دور کهکشان، خورشید به دور محور خودش می‌چرخد، سرعت چرخش آن متفاوت است، در استوا سریع تر می‌چرخد و هر دور آن حدود ۲۵ روز زمینی طول می‌کشد، در قطب ها کند تر است و هر دور آن حدود ۳۵ روز زمان می‌برد، شگفتی خیره‌کننده‌تر زمانی آشکار می‌شود که بدانیم خورشید به همراه تمامی سیارات منظومه‌ی شمسی (از جمله زمین ما)، با سرعتِ سرسام‌آورِ حدود ۸۲۸ هزار کیلومتر بر ساعت، در فضای بی‌کرانِ کیهان به دورِ مرکزِ کهکشان راه شیری در حال پیشروی و جریان است. عظمتِ این سفرِ نجومی به قدری است که حدود ۲۳۰ میلیون سال طول می‌کشد

۵۲/ صلاح الدین سادات

تا خورشید تنها یک دورِ کامل به دورِ مرکز کهکشان بچرخد. خداوند متعال برای جلب توجه عقول بشر به عظمت این سرعت و حرکاتِ کاروانی در پهنهٔ فضا، در سورهٔ مبارکهٔ نازعات آیهٔ ۳ با قاطعیت به آن سوگند یاد کرده و می‌فرماید: "وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا" (سوگند به اجرام عظیمی که در فضا با سرعت و روانی شگفت‌انگیزی شناورند). واژه "سَابِحَات" صراحتاً پدیده‌ی شناوری بدون اصطکاک خورشید و منظومه شمسی را در خلأ فضا مدل‌سازی می‌کند که بسان کشتی‌های غول‌پیکر در اقیانوس کیهان رو به جلو می‌تازند. این کهکشان مثل آفتاب ملیاردها ستارهٔ دیگر دارد،

چرخش کائنات را قرآن کریم هم تأیید می‌کند، مثلاً در سورهٔ یاسین، آیت (۳۸-۴۰) چنین می‌فرماید: «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا». ترجمه: می‌گردد آفتاب به قرارگاه خود یا می‌گردد آفتاب همراه قرارگاه خود در آخر آیت می‌فرماید: «وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ». ترجمه: همه و همه در مدار خود شنا میکنند، کل همین معنا را دارد که همه، چه ستاره باشد و چه سیاره شناورند. هم‌چنان در سورهٔ لقمان، آیت (۲۹) چنین می‌فرماید: «وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى». ترجمه: مسخر کردم آفتاب و ماه را تماماً شنا میکنند به طریقه برای شان معین کرده شده و هم‌چنان در سورهٔ انبیاء آیت (۳۳) چنین می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ».

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۵۳

ترجمه: خداوند ذاتیست که پیدا کرده شب و روز را و آفتاب و مهتاب را تماماً همه و همه شنا میکنند در مدار خود . از نگاه قرآن هیچ چیز در فضا ساکت نیست همه در گردش اند و از نگاه علم هم چیزی را که قرآن کریم بیان می کند، تأیید کرده است.

فرق میان ستاره و سیاره

ستاره ها از خود نور دارند اما سیاره ها از خود نور ندارد. مثلاً شما یک ثانیۀ نوری از زمین فاصله داشته باشید، دیگر زمین را دیده نمی توانید مگر اینکه نور خورشید به زمین بتابد، در آنصورت می توانید زمین را ببینید، مثل ماه هرگاه نور خورشید به ماه رسید، ماه را دیده می توانید در غیر آن دیده نمیتوانیم اما ستاره ها از خود نور دارند. ساءیرستاره ها هم مانند آفتاب می باشند، بعضی های شان از آفتاب بزرگتر و بعضی های شان از آفتاب کوچکتر و بعضی های شان برابر با آفتاب می باشد. از اینکه آن ها از زمین بسیار دور می باشند، کوچک معلوم میشوند. اکثر ستاره ها به میلیون ها مراتب از زمین بزرگتر اند.

حقانیت قرآن

درین شک نیست که قرآن کریم کلام پروردگار و معجزه ای جاویدان است. وجه اعجاز آمیز این کتاب الهی در آن است که

۵۴/ صلاح الدین سادات

بسیاری از آیات آن در زمان نزول، از نظر سطح فهم و دانش بشری آن روزگار، غیرقابل باور یا درک‌ناپذیر می‌نمود؛ اما با گذشت زمان و پیشرفت علوم، حقانیت و اصالت یکایک این گزارش‌های قرآنی به اثبات می‌رسد. هر آنچه قرآن کریم بیان داشته، حقیقت محض است؛ برخی از این حقایق در فاصله‌ای کوتاه پس از نزول و برخی دیگر پس از گذشت صدها سال بر بشر آشکار شده‌اند. برای نمونه، آیاتی را بررسی می‌کنیم که در زمان نزول، درک آن‌ها بسیار دشوار و از نگاه فهم عمومی باورنکردنی بود. خداوند متعال در سوره مبارکه رعد (آیه ۲) و همچنین در سوره لقمان (آیه ۱۰) می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (خداوند همان کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آن‌ها را ببینید، برافراشت). این آیه صراحتاً بیان می‌دارد که تمامی اجرام بلندمرتبه کائنات از قبیل کهکشان‌ها، ستاره‌ها و سیاره‌ها، همگی در فضا معلق‌اند و توسط یک قوه نامرئی و ستون‌های قائم نادیدنی استوار نگه‌داشته شده‌اند. در زمان نزول این آیات، هیچ‌کس باور نمی‌کرد نیرویی در فضا وجود داشته باشد که کل کائنات را این‌گونه منسجم و پابرجا نگه دارد. اما امروزه با پیشرفت خیره‌کننده علم فضا، دانشمندان پس از تحقیقات گسترده دریافته‌اند که تمام اجرام مرئی کائنات شامل میلیاردها کهکشان و تریلیون‌ها ستاره و سیاره تنها حدود ۵ درصد از کل جهان هستی را تشکیل می‌دهند؛ در حالی که ۹۵ درصد دیگر جهان از

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/ ۵۵

مادهٔ تاریک و انرژی تاریک تشکیل شده که کاملاً غیر مرئی بوده و به چشم دیده نمی‌شوند، اما مانند ستون‌هایی اساسی، ساختار کل کائنات و کهکشان‌ها را حفظ کرده و مانع از فروپاشی آن‌ها می‌شوند. این کشف علمی، دقیقاً همان حقیقت نادیدنی است که خداوند متعال قرن‌ها پیش در قرآن کریم از آن پرده برداشته بود. همچنین خداوند متعال در سورهٔ مبارکهٔ قیامت (آیات ۳ و ۴) می‌فرماید: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ * بَلَىٰ ۚ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ» (آیا انسان می‌پندارد که هرگز استخوان‌های او را جمع نخواهیم کرد؟ آری، ما قادریم که حتی خطوط سرانگشتان او را بازسازی و موزون کنیم.) در اینجا این پرسش اساسی مطرح می‌شود که چرا خداوند متعال از میان تمام اعضای بدن انسان، به «سرانگشتان» اشاره کرده است؟ با بررسی آثار زبده‌ترین مفسران گذشتهٔ قرآن، درمی‌یابیم که آنان به دلیل محدودیت‌های علمی روزگار خود، نتوانسته بودند راز نهفته در این کلام الهی را به‌طور کامل آشکار سازند. اما امروزه با پیشرفت شگرف علوم پزشکی و جرم‌شناسی، محققان دریافته‌اند که در سرانگشتان هر انسان، خطوط و نقش‌هایی وجود دارد که کاملاً منحصر به فرد است. این رمزنگاری طبیعی به‌گونه‌ای است که اثر انگشت هیچ انسانی روی زمین، با انسان دیگر چه در گذشته، چه در حال و چه در آینده شباهت ندارد؛ حتی دوقلوهای همسان نیز اثر انگشت متفاوتی دارند. از این رو، خداوند متعال با اشاره به

۱۵۶/ صلاح الدین سادات

سرانگستان، به دقیق‌ترین ابزار شناسایی و هویت‌شناسی انسان اشاره فرموده است؛ یعنی همان آفریدگاری که این جزییات بی‌مانند را در دنیا خلق کرده، در روز رستاخیز نیز قادر است انسان را با همان هویت و نشانه‌های دقیق فردی‌اش دوباره زنده کند. از دیگر نشانه‌های شگفت‌انگیز حقانیت قرآن کریم، اشاره به نظام حرکتی کائنات است. امروزه در علم نجوم ثابت شده که هیچ جرمی در جهان ساکن نیست و همه اجرام آسمانی، چه با گردش به دور خود (حرکت وضعی) و چه با گردش به دور یک مرکز واحد (حرکت انتقالی)، در حرکتی مداوم و همیشگی هستند. در زمان نزول قرآن، آنجا که می‌فرماید: «كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى» (هر کدام تا زمان معینی به حرکت خود ادامه می‌دهند)، برای بشر آن روزگار باورکردنی نبود که جهان دارای چنین پویایی و حرکتی باشد. با مطالعه تاریخ کیهان‌شناسی می‌بینیم که دانشمندان گذشته هرگز بر یک عقیده واحد نبودند؛ فرضیه‌ای مطرح می‌شد و با گذشت زمان، دانشمند دیگری آن را رد می‌کرد. برای قرن‌ها، نظریه زمین‌مرکزی (بطلمیوس) حاکم بود و گمان می‌کردند زمین ساکن است و خورشید به دور آن می‌چرخد. بعدها دانشمندانی چون کوپرنیک و گالیله این فرضیه را رد کردند و گفتند خورشید مرکز جهان است و زمین به دور آن می‌گردد. اما امروزه علم مدرن اثبات کرده است که نه زمین مرکز جهان است و نه خورشید؛ جهان هستی اصلاً مرکز واحد و ثابتی ندارد. بلکه هر کهکشان،

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۵۷

مرکزیت ستاره‌ها و سیارات خود را بر عهده دارد و آن‌ها را در مدارهایی مشخص به دور خود می‌چرخاند؛ حتی خود منظومه شمسی و خورشید نیز با سرعت عظیمی به دور مرکز کهکشان راه شیری در حرکت‌اند. این حقیقت ثابت علمی، دقیقاً همان کلام پروردگار است که در آیاتی چون آیه ۴۰ سوره یس می‌فرماید: «كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» (و هر یک در مداری شناورند). نکته شگفت‌انگیز ادبی و علمی در این آیه، انتخاب واژه «يَسْبَحُونَ» (از ریشه سباحه به معنای شنا کردن) است. در زبان عربی، شنا کردن زمانی به کار می‌رود که موجودی در یک محیط مایع یا سیال بدون اتکا به سطحی سخت، غوطه‌ور و جاری باشد. فیزیکدانان امروزی پس از قرن‌ها تحقیق دریافتند که فضا برخلاف تصور گذشته، یک خلاء مطلق و پوچ نیست؛ بلکه ساختاری پیوسته و منعطف به نام بافت «فضا-زمان» دارد. اجرام آسمانی بدون آنکه به ستون یا نخ متصل باشند، در این بافت سیال معلق هستند و دقیقاً مانند ماهی در آب، در مدار خود شنا می‌کنند. استفاده از این واژه در ۱۴۰۰ سال پیش، نشان می‌دهد که گوینده این کلام، خود آفریدگار و مهندس این کائنات شناور است: یکی دیگر از شواهد بی‌انکار حقانیت و اعجاز علمی قرآن کریم، بیان وضعیت اولیه آسمان زمین است. خداوند متعال در سوره مبارکه فصلت (آیه ۱۱) می‌فرماید: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ» (سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که

۵۸ / صلاح الدین سادات

به صورت دود (گاز و غبار) بود. در زمان نزول این آیه، افسانه‌ها و خرافات متعددی درباره ساختار آسمان میان تمدن‌های باستان رواج داشت؛ برای مثال، بسیاری می‌پنداشتند آسمان‌ها سقف‌هایی جامد و مادی از جنس سنگ‌های قیمتی مانند یاقوت، زمرد یا لاجورد هستند. در چنین فضایی، هیچ‌کس باور نمی‌کرد که لایه‌های بالای سر ما از جنس دود و گاز تشکیل شده باشد. اما امروزه با پیشرفت خیره‌کننده علوم کیهان‌شناسی و زمین‌شناسی، دانشمندان دریافته‌اند که در مراحل آغازین شکل‌گیری زمین، فوران‌های عظیم و پی‌درپی آتشفشانی که سالیان سال به طول انجامید و منجر به پیدایش کوه‌ها شد حجم عظیمی از گازهای سمی، غبار و دود غلیظ (دخان) را به جوّ تزریق کرد. این توده تیره، تمام پهنه آسمان زمین را فراگرفته بود. سپس به فرمان الهی، این گازهای غلیظ و سمی، تسویه و تفکیک شدند و هفت لایه یا طبقه حفاظتی اتمسفر را به وجود آوردند. این لایه‌های گازی (مانند تروپوسفر، استراتوسفر، مزوسفر، ترموسفر، اگزوسفر و لایه حیاتی اوزون)، دقیقاً همان مصداق آسمان‌های طبقاتی گازی هستند که قرآن کریم قرن‌ها پیش، برخلاف تمام تصورات بشری آن روزگار، ماهیت آن‌ها را به درستی افشا کرده بود: از دیگر براهین محکم بر حقانیت و اعجاز جاویدان قرآن کریم، پیش‌گویی شگفت‌انگیز آن درباره توانایی فنی بشر برای تسخیر فضا و اعماق زمین است. خداوند متعال در سوره مبارکه الرحمن (آیه ۳۳)

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/ ۵۹

می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ» (ای گروه جن و انس! اگر می‌توانید از کرانه‌ها و اقطار آسمان‌ها و زمین نفوذ کنید و بگذرید، پس نفوذ کنید؛ اما هرگز نخواهید توانست، مگر با داشتن قدرتی [بزرگ، علمی و ابزاری]). در زمان نزول این آیه، صعود به آسمان‌ها یا شکافتن اعماق زمین برای انسان حتی در مخیله نیز نمی‌گنجید و از نظر سطح فهم آن روزگار، امری کاملاً محال تلقی می‌شد. اما اعجاز آیه در کلمه پایانی آن یعنی «سُلْطَان» نهفته است. آفریدگار جهان صراحتاً راه را باز می‌گذارد و یادآور می‌شود که اگر انس و جن بتوانند اسباب، علم، نیرو و ابزار محکم لازم را پدید آورند، توانایی نفوذ به این اقطار را خواهند یافت. امروزه با پیشرفت علم، جلوه‌ای از این آیه محقق شده است؛ بشر توانسته با ساخت اسباب و ابزار پیشرفته (مانند فضاپیماها و موشک‌های غول‌پیکر)، از جاذبه زمین عبور کرده و به فضا نفوذ کند. با این حال، نفوذ به اقطار و قعر زمین، همچنان به عنوان یک چالش بزرگ و دست‌نیافتنی برای دولت‌ها و مراکز علمی جهان باقی مانده است. عمیق‌ترین چاه‌هایی که تاکنون توسط انسان حفر شده، تنها چند کیلومتر در پوسته زمین پیش رفته‌اند؛ چرا که با نزدیک شدن به لایه‌های درونی، حرارت به شدت بالا می‌رود. دانشمندان زمین‌شناسی اثبات کرده‌اند که درجه حرارت هسته داخلی زمین به حدود ۶۰۰۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد؛ حرارت

۶۰ / صلاح الدین سادات

طاقت‌فرسایی که با دمای سطح خورشید برابر است و هر ابزار ساخته‌شده به دست بشر را در لحظه ذوب می‌کند. اما از آنجا که پروردگار متعال در این آیه، نوید امکان نفوذ به اقطار زمین را نیز مشروط به داشتن «سلطان» (ابزار و فناوری فوق‌پیکر) داده است، یقیناً روزی فراتر از امروز، انسان‌ها به دانش و اسبابی دست خواهند یافت که توانایی مقاومت در برابر این حرارت عظیم را داشته باشد و به قعر زمین نیز نفوذ خواهند کرد. این انطباق دقیق اهداف علمی با کلام وحی، سندی زنده بر حقانیت کتابی است که فراتر از زمان سخن می‌گوید. یکی دیگر از نشانه‌های درخشان حقانیت و اعجاز علمی قرآن کریم، افشای قانون زوجیت و وجود سیستم نر و ماده در قلمرو گیاهان و درختان است. خداوند متعال در سوره مبارکه ق (آیه ۷) می‌فرماید: «...وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» (...و در زمین از هر صنف و جفت گیاه زیبا و نشاط‌انگیز رویاندیم). [۱] همچنین در سوره مبارکه طه (آیه ۵۳) به صورت آشکارتر می‌فرماید: «...فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّىٰ» (...و به وسیله آن (آب باران)، جفت‌هایی از گیاهان گوناگون و مختلف را [از خاک] بیرون آوردیم). [۱] در روزگار نزول این آیات، دانش جغرافیا و زیست‌شناسی بشر بسیار محدود بود. مردم آن زمان به جز در مورد چند گیاه خاص (مانند درخت خرما که سنت گرده‌افشانی دستی آن رایج بود)، هیچ‌گونه آگاهی از ساختار درونی و جنسیتی سایر گیاهان نداشتند. از این رو، سخن گفتن از

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۶۱

اینکه همه گیاهان، درختان، بته‌ها و علف‌ها دارای جفت‌های نر و ماده هستند، در سطح فهم عمومی آن دوران نمی‌گنجید و حتی با انکار و تمسخر مخالفان روبرو می‌شد. اما با گذشت قرن‌ها و با پیدایش ابزارهای دقیق آزمایشگاهی و میکروسکوپ‌ها، دانشمندان بزرگ گیاه‌شناسی اثبات کردند که قانون زوجیت، یک قانون عمومی و تخلف‌ناپذیر در سراسر جهان نباتات است. امروزه علم ثابت کرده است که گیاهان نیز دارای اندام‌های بازتولیدِ نر (پرچم) و ماده (مادگی) هستند و فرآیند لقاح و پدید آمدن میوه‌ها و پایداری نسل گیاهان، کاملاً وابسته به ترکیب سلول‌های نر و ماده از طریق گرده‌افشانی (بوسیله باد یا حشرات) است. بیان این حقیقتِ دقیق زیست‌شناسی در ۱۴۰۰ سال پیش، آن هم در میان جامعه‌ای محروم از هرگونه دانش تجربی، معجزه‌ای بی‌انکار و سندی قاطع بر حقانیت کلام آفریدگار جهان است. یکی دیگر از گزارش‌های شگفت‌انگیز قرآن کریم که افق‌های آینده را به روی بشر گشود، داستان فرمانروایی حضرت سلیمان (ع) بر باد و جابجایی سریع او در آسمان است. خداوند متعال در سوره مبارکه سبأ (آیه ۱۲) می‌فرماید: «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غَدُوَهَا شَهْرًا وَرَوَّاحَهَا شَهْرًا» (و باد را برای سلیمان مسخر کردیم که حرکت صبحگاهی آن به اندازه یک ماه و حرکت عصرگاهی آن نیز به اندازه یک ماه بود). در زمان نزول این آیات، برای انسان‌هایی که قفل زمین بودند و بیشترین سرعت جابجایی‌شان با اسب و شتر بود، حرکت در دل

۶۲/ صلاح الدین سادات

آسمان و پیمودن مسافت‌های طولانی یک‌ماهه در چند ساعت، امری کاملاً غیرقابل‌باور و فراتر از تفکر بشری می‌نمود. اگرچه حرکت حضرت سلیمان (ع) بر فراز باد یک «معجزه الهی» و فوق‌العاده بود، اما این گزارش قرآنی در حقیقت یک نوید، انگیزه و اشارت تاریخی به نوع بشر نیز به شمار می‌رفت؛ پیامی که گوش‌زد می‌کرد سقف آسمان برای جولان دادن بسته نیست و انسان نیز اگر علم و توانایی لازم را کسب کند، می‌تواند فضا را تسخیر کند. امروزه با پیشرفت خیره‌کننده علم فیزیک و مکانیک پرواز، می‌بینیم که روزانه هزاران هواپیما، جت و سفینه‌های فضایی، انسان‌ها و بارهای سنگین را با سرعتی به‌مراتب بالاتر در دل آسمان جابجا می‌کنند. تحقق این رویا در عصر حاضر، اثبات می‌کند که گزارش‌های قرآنی دربارهٔ سفرهای هوایی گذشته، حقیقتی محض بوده و قرآن کریم قرن‌ها پیش از آنکه برادران رایت یا دانشمندان دیگر به فکر پرواز بیفتند، امکان حرکت و جابجایی بر فراز باد را به جهانیان اعلام کرده بود. یکی از تکان‌دهنده‌ترین و شگفت‌انگیزترین گزارش‌های قرآن کریم که مرزهای علم و عقل بشری را به چالش می‌کشد، داستان جابجایی تخت ملکه سبا (بلقیس) از فاصله‌ای بسیار دور (یمن) به دربار حضرت سلیمان (ع) در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. خداوند متعال در سوره مبارکه نمل (آیه ۴۰) از زبان شخصی که مأمور این کار شد، می‌فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۶۳

بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ...» [۱] (کسی که دانشی از کتاب [الهی] داشت گفت: «من پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو می‌آورم...») [۱] در زمان نزول این آیه و حتی تا قرن‌ها بعد، تصور اینکه جسمی سنگین و مادی، مسافتی صدها کیلومتری را در کسری از ثانیه طی کند، از نظر عقل ظاهرین بشر کاملاً محال و غیرقابل‌باور بود. اما نکتهٔ بسیار عمیق آیه در این است که این جابجایی خارق‌العاده، نه از طریق جادو، بلکه از طریق «عِلْمٍ مِنَ الْكِتَابِ» (دانش و آگاهی بر اسرار کتاب کائنات) صورت گرفته است؛ یعنی یک قانون علمی برتر و ناشناخته برای انسان که این کار را ممکن ساخته است. اگرچه این اعجاز قرآنی در مقیاس انسانی و برای اجسام بزرگ هنوز به دست بشر تحقق نیافته است، اما بر خلاف گذشته، علم فیزیک مدرن دیگر آن را محال نمی‌داند. امروزه دانشمندان فیزیک کوانتوم به نظریه و دستاوردی به نام «تله‌پورتاسیون کوانتومی» (Quantum Teleportation) یا انتقال فضا-زمانی اطلاعات و ذرات دست یافته‌اند. آن‌ها در آزمایشگاه‌های پیشرفته موفق شده‌اند وضعیت فیزیکی اتم‌ها و فوتون‌های نور را در یک لحظه، بدون طی کردن مسافت فیزیکی، به نقطه‌ای دیگر منتقل کنند. این کشف بزرگ اثبات می‌کند که شکستن کدهای ماده، تبدیل آن به انرژی یا اطلاعات، و بازسازی مجدد آن در نقطه‌ای دیگر در یک چشم به هم زدن، از نظر قوانین فیزیک کاملاً امکان‌پذیر است. اشارت قرآن کریم به این

۶۴/ صلاح الدین سادات

رویداد علمی در ۱۴۰۰ سال پیش، نویدی به آینده بشریت است که نشان می‌دهد با پیشرفت غایی علوم، شاید روزی انسان بتواند به این فناوری عظیم نیز دست یابد. این تطابق شگفت‌انگیز میان آرمان‌های فیزیک کوانتوم و متن صریح وحی، سندی زنده و بی‌انکار بر حقانیت الهی قرآن کریم است: پیش‌گویی‌های غیبی قرآن؛ پیروزی امپراتوری روم بر فارس علاوه بر اعجازهای علمی، قرآن کریم دارای پیش‌گویی‌های غیبی و تاریخی شگفت‌انگیزی است که حقانیت و اتصال آن به علم نامتناهی الهی را به صراحت اثبات می‌کند. بارزترین نمونه این اعجاز، پیش‌بینی دقیق فرجام جنگ میان دو ابرقدرت نظامی آن روزگار، یعنی امپراتوری ساسانی (فارس) و امپراتوری بیزانس (روم) است. در سال ۶۱۴ میلادی، ارتش خسرو پرویز (پادشاه فارس) شکست سنگینی بر رومیان وارد کرد و مناطقی چون شام و بیت‌المقدس را به تصرف خود درآورد. مشرکان مکه از این شکست خوشحال شدند؛ چرا که خود را به ایرانیان غیرمسیحی نزدیک می‌دیدند و مسلمانان را به رومیانِ اهل کتاب تشبیه می‌کردند. در این فضای ناامیدی، آیات ابتدایی سوره مبارکه روم نازل شد و قاطعانه پیش‌گویی کرد: «الْمَغْلَبَتِ الرُّومُ * فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ * فِي بَضْعِ سِنِينَ...» (سوره روم، آیات ۱ تا ۴) (الف، لام، میم). رومیان شکست خوردند؛ در نزدیک‌ترین سرزمین [به سرزمین عرب]؛ اما آن‌ها پس از شکست‌شان، به‌زودی پیروز خواهند شد؛ در طول

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۶۵

چند سال... [۱]واژه «بُضْع» در زبان عربی به معنای بازه زمانی بین ۳ تا ۹ سال است. در زمان نزول این آیات، امپراتوری روم به قدری ضعیف، ازهم‌پاشیده و خسته شده بود که از نظر تمام تحلیل‌گران سیاسی و نظامی، نابودی کامل آن حتمی به نظر می‌رسید. در چنین شرایطی، هیچ انسان یا تدبیرگر نظامی توانایی آن را نداشت که با این قاطعیت، زمان دقیق و برنده جنگ پیش‌رو را پیش‌بینی کند و اعتبار خود را به خطر اندازد. اما دقیقاً در سال ۶۲۲ میلادی (حدود ۸ سال پس از نزول آیه)، امپراتوری روم با رهبری هراکلیوس (هرقل) حملات سهمگینی را علیه ارتش ساسانی آغاز کرد و در جنگ نینوا، شکست سختی به امپراتوری فارس وارد نمود. وقوع دقیق این رویداد فاحش نظامی در همان مدت معین‌شده، زبان مخالفت دشمنان اسلام را بست؛ چرا که این پیش‌گویی غیبی را هیچ‌کس نمی‌توانست بیان کند، جز پروردگار عالم که هم از گذشته باخبر است و هم از اسرار آینده آگاهی مطلق دارد. نتیجه‌گیری و فصل‌الخطاب: تجلی حقانیت در آینه تاریخ و علم با تأمل در تمامی آیاتی که پیش‌تر ذکر شد، به یک حقیقت شگرف تاریخی پی می‌بریم؛ باور و درک این گزارش‌های قرآنی در زمان نزول، برای فهم عامیانه و دانش محدود آن روزگار کاملاً دشوار و حتی غیرقابل‌پذیرش بود. دقیقاً به همین سبب بود که مشرکان مکه، به دلیل ناتوانی عقل و اندیشه‌شان در درک این حقایق فراتر از زمان، پیامبر گرامی خدا (ص) را متهم به جنون و

۶۶/ صلاح الدین سادات

دیوانگی می‌کردند؛ چرا که کلام او با فرضیات کهنه و خرافات سنتی آنان هیچ همخوانی نداشت. اما اکنون با گذشت قرن‌ها و پیشرفت خیره‌کننده علم و فناوری، پرده‌ها کنار رفته و تک‌تک آن گزارش‌ها به عنوان حقایق مسلم و قطعی علمی به اثبات رسیده‌اند. امروزه که کیهان‌شناسی، فیزیک کوانتوم، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی و جرم‌شناسی مدرن حقانیت این آیات را تصدیق می‌کنند، نسبت دادن چنین کتاب عظیمی به ذهن یک بشرِ درس‌ناخوانده در محیط تاریک و جاهلی آن زمان، کاملاً دور از انصاف، منطقی و واقع‌بینی است. این انطباق بی‌نقص، قاطعانه اثبات می‌کند که قرآن کریم چیزی جز کلام پروردگارِ عالم و خالق کائنات نیست؛ کتابی جاویدان که برای تمام عصرها و نسل‌ها سخن می‌گوید.؟؟.

پایانِ عالم

پیش از ورود به بحث چگونگی پایان یافتن جهان از دیدگاه قرآن کریم، تبیین یک مرزبندی ساختاری و فوق‌العاده حیاتی الزامی

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۶۷

است: ما باید میان "واقعه‌ی رستاخیز و قیامت" و "محو و انحلالِ کاملِ کل جهان هستی" تفکیک قائل شویم. بر اساس براهین قاطع قرآنی، واقعه‌ی آغازینِ قیامت، رویدادی مرحله‌ای و متمرکز بر گهواره‌ی زمین و نظام منظومه‌ی ماست، نه محو و نابودیِ آنیِ کل کائنات؛ و برای این حقیقت دلایل محکمی وجود دارد. دلیلِ نخست؛ برهانِ استثنا در نفخ صور: خداوند متعال در سورهٔ مبارکهٔ نمل آیهٔ ۸۷ صراحتاً می‌فرماید: "وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ..." (و روزی که در صور دمیده شود، پس هر کس در آسمان‌ها و هر کس در زمین است به هراس و بیهوشی می‌افتد، مگر کسی که خدا بخواهد). در منطقی کلام، سخن گفتن از "استثنا" (إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ) تنها زمانی معنا دارد که بستر و ساختاری باقی مانده باشد تا کسانی در آن از هول و هوش‌رفتگی معاف شوند. اگر واقعه‌ی اولیه‌ی قیامت به معنای محوِ مطلق و نابودیِ آنیِ کلِ تار و پودِ کیهان و میلیاردها کهکشان می‌بود، دیگر وجودِ این استثنا بی‌معنا می‌شد. این نصِ صریح اثبات می‌کند که صاعقه‌ی رستاخیز، جریانی برای بستنِ پرونده‌ی زمین و آسمانِ تابعه‌ی آن و بازخواستِ مکلفین است، در حالی که انحلالِ نهایی و برچیده شدنِ کل ساختارِ کائنات، واقعه‌ای فراگیرتر و کلان‌تر در هندسه‌ی آفرینش است.» دلیلِ دوم؛ برهانِ حضور و کنترل کالبد زمین (قبضه الهی): سند محکم دیگری که ثابت می‌کند واقعه‌ی قیامت در مراحل آغازین خود

۶۸ / صلاح الدین سادات

یک رویداد بومی و محلی برای نظام زمین است و با انحلال کامل کیهان تفاوت دارد، در سوره مبارکه زمر آیه ۶۷ تجلی یافته است؛ آنجا که پروردگار متعال می‌فرماید: "وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ" (و در روز قیامت، زمین یک‌جا در قبضه‌ی قدرت اوست. در منطقِ بیانیِ قرآن، تعبیر "قَبْضَتُهُ" دلالت بر این دارد که کالبد و جرمِ سیاره‌ی زمین در روز قیامت همچنان موجود، پابرجا و حاضر است تا در چنگال قدرت و تسلطِ مطلقِ تکوینی پروردگار قرار گیرد و مراحل دگرگونی را طی کند. اگر واقعه‌ی اولیه‌ی قیامت به معنای محوِ مطلق، نیست شدن و انحلالِ آنیِ کلِ تار و پود کائنات و زمین می‌بود، دلیلی بر ذکرِ حضور و قبضه شدن زمین وجود نداشت؛ چرا که از نظر عقلی و فیزیکی، شیءِ نابودشده و معدوم را نمی‌توان در قبضه نگاه داشت. بنابراین، پایداری جرم زمین در این واقعه، برهانِ قاطع دیگری است بر اینکه رستاخیز جریانی متمرکز بر تحول و بازخواست در این سیاره است، نه پایانِ آنی و انحلالِ کلانِ کهکشان‌های جهان هستی. این آیه به روشنی مرزِ میانِ دگرگونی بومی زمین و برجیده شدن نهایی کائنات را ترسیم می‌فرماید.» دلیل سوم؛ برهانِ تبدیل و دگرگونی ساختاری (تَبْدیلِ سیاره): اوج تجلی و برهانِ قاطع بر بومی و محلی بودن فاز اول واقعه‌ی قیامت، در سوره مبارکه ابراهیم آیه ۴۸ صراحتاً بیان شده است؛ آنجا که پروردگار حکیم می‌فرماید: "يَوْمَ تَبْدَلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ"

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۶۹

وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ" (روزی که زمین به زمین دیگری تبدیل می‌شود، و آسمان‌ها نیز به آسمان‌های دیگری دگرگون می‌گردند)، و همگی در پیشگاه خداوند واحد و مسلط ظاهر می‌شوند). در نظام واژگانی قرآن و منطق فیزیک، واژه‌ی "تبدیل" هرگز به معنای محو مطلق، نابودی مادی یا نیست شدن از ریشه نیست؛ بلکه صراحتاً دلالت بر تغییر فاز، دگرگونی در فرم و بازنویسی قوانین حاکم بر یک جسم دارد. این نصّ صریح اثبات می‌کند که سیاره زمین و جو آن (آسمان نزدیک) در واقعه‌ی رستاخیز کاملاً محو نمی‌شوند، بلکه دستخوش یک جراحی بزرگ فیزیکی و هندسی می‌گردند. قرآن کریم مصادیق این تغییرات ساختاری را به روشنی بیان می‌فرماید؛ زمین که کالبدی کروی با پستی و بلندی‌های فراوان داشت، تغییر هندسه داده و به دشت صاف، مسطح و بی‌کرانی تبدیل می‌شود که در آن هیچ عارضه، گودال و کوهی دیده نمی‌شود (طه، ۱۰۶). همچنین، چرخه‌های حرکتی زمین دگرگون می‌گردند؛ زمینی که به دور خود می‌چرخید تا شب و روز پدید آید و به دور خورشید گردش می‌کرد تا نظام سال و فصول جاری شود، با برچیده شدن نور خورشید، از این چرخه‌های سنتی باز می‌ایستد. این توقف و تغییر فرایندها، خود برهانی قاطع است بر اینکه جرم سیاره موجود است و تغییر می‌کند، نه اینکه به کلی نیست و نابود شده باشد. این آیه، خط پایانی است بر این حقیقت که قیامت، فازی از دگرگونی بومی

۷۰ / صلاح الدین سادات

سیاره ماست.» فاز نهایی؛ انحلال مطلق و برچیده شدن کلان کیهان در برابرِ واقعۀ قیامت که جریانی بومی برای تحول و دگرگونیِ ساختار سیاره‌ی زمین است، قرآن کریم در آیاتی دیگر از یک انحلالِ کلان، مطلق و فرابومی برای کل کائنات سخن می‌گوید؛ رویدادی که در آن، تار و پودِ ماده، زمان و فضا به کلی برچیده می‌شود. خداوند متعال در سورۀ مبارکۀ قصص آیه ۸۸ این فرجامِ نهاییِ جهان هستی را با اقتداری تکان‌دهنده این‌گونه تبیین می‌فرماید: "لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ" (هیچ معبودی جز او نیست؛ همه چیز فانی و نابودشدنی است جز ذاتِ پاکِ او؛ فرمانرواییِ مطلق تنها از آنِ اوست و همگی به سوی او بازگردانده می‌شوید). واژه‌ی "هَالِكٌ" در هندسۀ بیانی این آیه، صراحتاً دلالت بر فروپاشی و نیست شدنِ تمام ساختارهای فیزیکیِ کائنات دارد. این رویداد، برخلافِ واقعۀ اولیه‌ی قیامت، هیچ استثنایی برای زمین و آسمانِ تابعه‌ی آن باقی نمی‌گذارد. در این فازِ هولناک کیهانی که در فیزیکِ مدرن به عنوان نظریه‌ی رمبشِ بزرگ (Big Crunch) شناخته می‌شود—جاذبه و موازنه‌ی کهکشان‌ها فرومی‌پاشد، تریلیون‌ها ستاره و سیاره در هم می‌شکنند، و کلِ کالبدِ مادیِ جهان هستی مانند یک طومارِ مکتوب در هم پیچیده شده و به نقطه‌ی صفرِ آغازین بازمی‌گردد. در آن ظرفِ زمانی، تمام ابعاد فضا-زمان محو گشته و تنها حقیقتِ زنده، قائم و جاویدان در عالم، ذاتِ بی‌کرانِ

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۷۱

خالق هستی است. این موازنه و تفکیک دقیق نشان می‌دهد که هدف قرآن از واژه‌ی "هلاکت کائنات"، برچیدن کامل پرونده‌ی کل کیهان است؛ فرآیندی که ماهیت آن با دگرگونی‌های ساختاری و محلی روز قیامت کاملاً متفاوت و متمایز است. «برهان ندای اقتدار الهی در سکوت مطلق کیهان: تفاوت آشکار دیگری که وجود یک مرزبندی و تفکیک قطعی میان "واقع‌هی قیامت" و "انحلال نهایی عالم" را ثابت می‌کند، در سوره مبارکه غافر آیه ۱۶ تجلی یافته است؛ آنجا که پروردگار متعال در فضای پس از انحلال کل هستی ندا می‌دهد: "لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ۖ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ" (امروز فرمانروایی و حکومت از آن کیست؟ [هیچ کس نیست که پاسخ دهد، پس خود می‌فرماید:] از آن خداوند یگانه و مسلط بر همه چیز است). در منطق کلام و تدبیر در آیات، این تقابل بسیار تکان‌دهنده است؛ در واقع‌هی رستاخیز و قیامت زمین، ما شاهد حضور، صف‌بندی و مأموریت ملائکه و فرشتگان الهی هستیم که خلاق را سوق می‌دهند. اما در فاز انحلال و نابودی مطلق عالم، بر اساس نص صریح قرآن، حتی مقرب‌ترین فرشتگان—از جمله "حَمَلَةُ الْعَرْشِ" (فرشتگان حامل عرش الهی)—نیز فانی گشته و رخت از هستی برمی‌بندند. در آن ظرف زمانی هولناک، سکوتی مطلق و فوق‌العاده سنگین بر تمام پهنه کائنات سایه می‌افکند؛ چرا که هیچ جاندار، چه در زمین و چه در ژرفای آسمان‌ها باقی نمانده است تا به ندای "لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ" پاسخ گوید. اینجاست

۷۲/ صلاح الدین سادات

که ذات پاک پروردگار، خود پاسخِ عظمتِ خویش را می‌دهد و می‌فرماید: "لِلّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ". این بایکوت و سکوتِ مطلقِ خلقت، صراحتاً اثبات می‌کند که انحلالِ جهان، واقعه‌ای فراتر و نهایی‌تر از جریانِ قیامتِ بومی است؛ سندی قاطع بر اینکه میان این دو رویداد، تفکیکی بنیادین در هندسه‌ی وحی وجود دارد.» خداوند متعال، تمام هستی و پهنه کیهان را توسط نیروهای بنیادی و نامرئی پدید آورده است؛ همان نیروهای مقتدری که در لحظه‌ی آغازین جهان، از فرمان تکوینی "کُن" (موجود شو) سرچشمه گرفتند. این نیروهای نامرئی، نه تنها مسئولیت ساخت، موازنه و نگهداری کائنات را بر دوش داشته‌اند، بلکه مأمور بودند تا جهان هستی را هر لحظه وسیع‌تر و منبسط‌تر نمایند؛ جریانی پویا که تا زمانِ مقدرشده از سوی پروردگار با قدرت ادامه دارد. اما در گام پایانی انحلالِ عالم، همین نیروهای بنیادی برای بار دوم از سوی پروردگار مأموریتی جدید و معکوس پیدا می‌کنند؛ مأموریت می‌یابند تا موازنه‌ی انبساطی جهان را رها کرده و از تمام بدنه و اجرام کیهان عقب‌نشینی کنند تا هندسه‌ی فضا-زمان دقیقاً مانند یک لوله‌ی کاغذ یا طوماری مکتوب در هم جمع و فشرده شود. چنانچه خداوند متعال در سوره زمر آیه «۶۷» چنین می‌فرماید وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ ۚ يَعْنِي پِیچَانیده شده باشد آسمان‌ها به دست قدرت او؟ خداوند متعال در گامی دیگر از تبیین این انحلالِ بزرگ، برچیده شدن غلافِ نیروهای نگهدارنده را در سوره

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۷۳

مبارکۀ تکویر آیه ۱۱ این گونه تصویر می فرماید: "وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ" (و آن گاه که آسمان [همچون پوست حیوان] کنده و برکنده شود). هنگامی که این نیروهای نامرئی و بنیادین، بسان یک لوله‌ی کاغذ جمع شوند و همانند پوستی که از بدن جدا می شود، از پیکره‌ی کائنات کنده شوند، تمامی اجرام عالم بدون متکی و بی تکیه گاه خواهند شد. اجرام سنگین کیهانی بدون این سپرهای نامرئی هرگز نمی توانند در فضا پایدار بمانند؛ در نتیجه، موازنه‌ی مداری اتم‌ها و کهکشان‌ها فرومی پاشد و ستاره‌ها و سیارات با سرعتی سهمگین به سمت یکدیگر سقوط می کنند. این حقیقتِ تکان دهنده، دقیقاً همان تکیه گاهِ تکوینی الهی است که در سورۀ مبارکۀ فاطر آیه ۴۱ به آن اشاره شده است: "إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أُمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ..." (به راستی خداوند آسمان‌ها و زمین را نگاه می دارد تا از محل خود منحرف و نابود نشوند؛ و اگر رو به زوال و سقوط گذارند، هیچ کس جز او نمی تواند آن‌ها را نگاه دارد!). تعبیر این آیه صراحتاً اثبات می کند که وقوع این سقوط و زوال کیهانی حتمی است و زمانی که فرمان آن صادر شود، هیچ قدرت مادی دیگری در جهان نمی تواند جلوگیری آن باشد. در واقع، این نیروهای نامرئی گرانشی و هسته‌ای، حکم "روح کائنات" را دارند؛ تا زمانی که این روح در کالبد جهان جاری است، اجرام به فعالیت و پایداری خود ادامه می دهند، اما به محض جدا شدن این روح، کالبد فیزیکی

۷۴/ صلاح الدین سادات

کیهان نه تنها از رفتار بازمی ماند، بلکه ساختار مادی اش نیز متلاشی می شود. سرانجام، در اثر این سقوط آزاد و برخورد غول آسای کهکشان ها و ستارگان با یکدیگر، تمامی سیارات و منظومه ها شقه شقه و متلاشی می گردند؛ همان واقعه ی عظیمی که پروردگار در سوره مبارکه انفطار آیات ۱ و ۲ از آن پرده برداشته و می فرماید: "إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ * وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ" (آن گاه که آسمان از هم بشکافد، و آن گاه که ستارگان و سیارات متلاشی شده و پراکنده شوند).» در اثر این برخوردها و سقوط آزاد زنجیره ای اجرام بر روی یکدیگر، اصطکاک و فشاری فراتر از تصور رخ می دهد؛ به طوری که فضای جهان به حدی گرم و سوزان می شود که تمام ساختارهای مادی کائنات به کمال ذوب شدن می رسند. خداوند متعال این فاز حرارتی هولناک را در سوره مبارکه الرحمن آیه ۳۷ این گونه تصویر می فرماید: "فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ" (پس آن گاه که آسمان شکافته شود و چون چرم یا روغن گداخته، سرخ و گلگون گردد). و همچنین در سوره مبارکه معارج آیه ۸ بر این ذوب شدگی عمومی تأکید کرده و می فرماید: "يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ" (روزی که آسمان بسان فلز و مس گداخته شود). تمثیل "مهل" (فلز ذوب شده در کوره آهنگری که در اثر حرارت شدید کاملاً سرخ و روان می گردد)، توصیفی مبهوت کننده از سرنوشت فیزیکی کائنات است. در اثر برخوردهای طوفانی، تمام فضای عالم به یک کوره آتش سرخ و

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۷۵

متراکم تبدیل می‌شود. این دما به قدری فشرده، سنگین و داغ است که هیچ ساختار مادی توانِ مقاومت در برابر آن را ندارد؛ به طوری که حتی پیوندهای اتمی نیز گسسته شده، اتم‌ها تبخیر و متلاشی می‌گردند و به پلاسما و انرژی خالص تبدیل می‌شوند. در این فاز، ماده به کلی فرومی‌پاشد و تنها همان نیروهای بنیادی و نامرئی باقی می‌مانند که در آغاز، جهان توسط آن‌ها بنا شده بود. این نیروهای رهاشده، در اثر گرانش مطلق، چاره‌ای جز یکپارچه‌شدن و انقباض ندارند؛ آن‌ها به ناچار با یکدیگر متحد شده و دقیقاً به همان نقطه‌ی مایکرو-اتمی و بی‌نهایت متراکمی بازمی‌گردند که در ابتدای خلقت از آن پا به عرصه وجود گذاشته بودند. این‌گونه است که کل کیهان مادی در نقطه آغازین خود ناپدید می‌شود تا پرونده‌ی این جهان فانی به طور کامل بسته شود.» این واقعه‌ی هولناکِ کیهانی را در سوره مبارکه انبیاء آیه ۱۰۴ با تمثیلی معجزه‌آسا این‌گونه ترسیم می‌فرماید: "يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ..." (روزی که آسمان را همچون درهم‌پیچیدنِ طومارِ نامه‌ها درهم می‌پیچیم؛ همان‌گونه که آفرینش نخستین را آغاز کردیم، آن را بازمی‌گردانیم...)، واژه‌ی "طی" (درهم‌پیچیدن) و تمثیل "سِجِلِّ" (طومار یا لوله کاغذ)، انطباقِ مبهوت‌کننده‌ای با نظریه علمی "رمبش بزرگ" (Big Crunch) در فیزیک مدرن دارد. علم امروز اثبات کرده است که در پایان عمر جهان، با تغییر رفتار

۷۶ / صلاح الدین سادات

نیروهای بنیادی، انبساط کیهان متوقف شده و انقباضی سرسام‌آور آغاز می‌گردد؛ به طوری که میلیاردها کهکشان و تریلیون‌ها ستاره با سرعتی نجومی به سمت عقب بازگشته و در خود فرومی‌روند. این جمع‌شدگیِ طوماروار، کائنات را دقیقاً به همان نقطه‌ی متراکم و واحدِ اولیه‌ی پیش از بیگ‌بنگ بازمی‌گرداند؛ حقیقتی که قرآن با تعبیر بی‌نظیر "کَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ" (همان‌گونه که آغاز کردیم، بازش می‌گردانیم) مُهر تایید بر آن زده است.» این بود مسیر شگفت‌انگیز کلام پروردگار، از ابتدای خلقت تا فرجام‌نهایی کائنات. اکنون که جهانِ مادی به طور کامل برچیده و ناپدید شد، این پرسش بنیادین رخ می‌نماید: آیا پس از نابودیِ کیهان، جهان دیگری ساخته خواهد شد یا کار خلقت برای همیشه پایان می‌یابد؟ از نگاه هندسه‌ی وحی، هرگاه پروردگار عالم به همان نیروهای بنیادی و نامرئی—که بسان لوله‌ی کاغذی در یک نقطه فشرده و جمع شده بودند—مجدداً فرمانِ گسترش و تورم بدهد، آن نیروها در یک آن فوران کرده و دوباره جهان جدیدی را بنا می‌کنند. بار دومِ شکل‌گیریِ عالم نه‌تنها از سوی قرآن رد نمی‌شود، بلکه با قاطعیت مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ چنان‌که خداوند متعال در سورهٔ مبارکهٔ یس آیهٔ ۸۱ صراحتاً می‌فرماید: "أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ ۚ بَلَىٰ ۚ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ" (آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، توانایی ندارد که همانند آن‌ها را [بار دیگر]

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/ ۷۷

بیافرینند؟ آری، [می‌تواند و می‌سازد] و اوست آفریننده‌ی بسیار (دانا). خداوند متعال با گزینش واژه‌ی مقتدرانه‌ی "بَلَىٰ" (آری، حتماً)، با قاطعیت اثبات می‌سازد که پس از انحلال این عالم، جهان دیگری همانند آن را بنا خواهد کرد. از سوی دیگر، به کار رفتن واژه‌ی "الْخَلْق" — که صیغه مبالغه است — نشان می‌دهد که او پروردگاری است که بارها و بارها، پی‌درپی و نو به نو خلق می‌کند و فیض آفرینش او هرگز قطع نمی‌شود. ضمیمه شدن صفت "الْعَلِيمُ" در پایان آیه نیز بر این حقیقت استوار است که او کاملاً داناست که چه نوع جهانِ تکامل‌یافته و نوینی را باید پس از این جهانِ فانی بسازد؛ بنابراین، از نگاه نظام‌مندِ قرآن کریم، پیدایشِ جهانِ جدید پس از فَنایِ عالمِ گذشته، جریانی همیشگی و پویا در سنت تکوینی پروردگار خواهد بود. آفرینش، پرونده‌ای بسته شده نیست؛ بلکه هرگاه جهانی به نقطه‌ی سرانجام و فَنایِ خود برسد، به فرمان آفریدگار، کائناتِ جدیدی از نو پدید می‌آید. منتها هندسه‌ی زمان‌بندیِ این آفرینش‌های متوالی فراتر از ادراک ماست و فاصله‌ی زمانی میان برچیده شدن یک کیهان تا انفجار بزرگ و زایش جهان بعدی، ممکن است میلیون‌ها یا میلیارد‌ها سال به طول انجامد؛ صیرورتی مدام که تنها در حیطه علم مطلق الهی است. وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالصَّوَابِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

خلاصِ موضوع:

تا جاییکه بر همه‌گان معلوم و هویداست، بحث پیدائیش جهان یک موضوع خیلی وسیع و حساس است، حتی در اکثر موارد بسیاری از علماء اسلام در این رابطه اتفاق نظر ندارد، اما از نگاه علم ساینس ثابت شده است، آنچه که قرآن کریم، چهارده صد سال قبل بیان نموده، ثابت است. به عنوان مسلمان نیاز میدانیم که قرآن کریم را مهمترین و والاترین مرجع برای اثبات حقایق همه مسایل به ویژه چگونگی «پیدائیش جهان» بدانیم و لازم است با پیروی از این مرجع بزرگ و همه شمول در تمامی موارد استفاده معقول نماییم. بناءً آنچه در این رساله گفته شده است، همه و همه برگرفته از آیات مرتبط به این موضوع می‌باشد.



Thank you for reading

Find more e-books and articles on Ketabton - your multilingual digital library.

www.ketabton.com

Ketabton - Pashto, Farsi, Arabic & English